شــیـعه

 و

بیت المقدس

**ترجمه‌ی كتاب: (الشيعة والمسجد الأقصى)**

**نویسنده:**

**طارق احمد حجازی**

**مترجم:**

**عبدالقدير ميرزی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | شیعه و بیت المقدس |
| **عنوان اصلی:** | الشيعة والمسجد الأقصى |
| **نویسنده:** | طارق احمد حجازی  |
| **مترجم:** | عبدالقدیر میرزی  |
| **موضوع:** | عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394 شمسی، ربیع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc442173992)

[مقدمه 1](#_Toc442173993)

[افترایی در یک کتاب!! 3](#_Toc442173994)

[جایگاه مسجد الاقصی در تفاسیر شیعه 7](#_Toc442173995)

[1-تفسیر صافی 7](#_Toc442173996)

[2- تفسیر نور الثقلین 9](#_Toc442173997)

[3-تفسیر عیاشی 10](#_Toc442173998)

[4- البرهان فی تفسیرالقرآن 11](#_Toc442173999)

[5- بیان السعادة 12](#_Toc442174000)

[جایگاه مسجد الاقصی در مراجع شیعه 15](#_Toc442174001)

[1- بحار الأنوار 15](#_Toc442174002)

[2- منتهی الآمال 16](#_Toc442174003)

[3- کامل الزیارات 16](#_Toc442174004)

[4- الصحیح من سیرة ا لرسول الأعظم 17](#_Toc442174005)

[5- الکافی 18](#_Toc442174006)

[6- علل الشرایع 19](#_Toc442174007)

[7- المصباح فی الادعیة والصلوات والزیارات 20](#_Toc442174008)

[8- تفصیل وسائل الشیعه 20](#_Toc442174009)

[برتری مسجد کوفه بر سه مسجد ذکر شده، نزد شیعه‌ها 23](#_Toc442174010)

[کربلا از کعبه و مسجد الاقصی برتر است!! 27](#_Toc442174011)

[گفتار شیعیان معاصر در خصوص جایگاه مسجدالاقصی 33](#_Toc442174012)

[کربلا را قبل از قدس آزاد سازید!! 33](#_Toc442174013)

[فضل وبرتری نجف بر قدس، در شعر ابن معصوم!! 34](#_Toc442174014)

[آزاد نمودن قبه سامراء از آزاد سازی قدس مهم‏تر است 35](#_Toc442174015)

[سامراء و بقیع غرقد نزد شیعه‏ها از قدس اهمیت و جایگاه بیشتری دارند 36](#_Toc442174016)

[کانون‌های (یاحسین) کانون‌های ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه اقصی 37](#_Toc442174017)

[مسجدالاقصی در نوشته‏های یهود 41](#_Toc442174018)

[ماده قدس از دیدگاه بوهل 42](#_Toc442174019)

[إسحق حسون 42](#_Toc442174020)

[حوا لاتسروس یافه 43](#_Toc442174021)

[یهود الیطانی 44](#_Toc442174022)

[کستر **(kester M.J.)** 44](#_Toc442174023)

[مسجدالاقصی در نوشته‌های مستشرقین؟!! 47](#_Toc442174024)

[جولد تسیهر 47](#_Toc442174025)

[ریجیس بلاشیر 49](#_Toc442174026)

[خلاصه 50](#_Toc442174027)

[ارزش و جایگاه مسجدالاقصی نزد مسلمانان 53](#_Toc442174028)

[اصول و مبادی ما در مورد جایگاه مسجدالاقصی 55](#_Toc442174029)

[و در پایان می‌پرسیم 71](#_Toc442174030)

[گفتار پایانی 75](#_Toc442174031)

[اقوال و دیدگاه شیعه در مورد مسجدالاقصی به سه دسته تقسیم می‌شود: 75](#_Toc442174032)

[دیدگاه اول 75](#_Toc442174033)

[دیدگاه دوم 76](#_Toc442174034)

[دیدگاه سوم 76](#_Toc442174035)

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام علی أشرف المرسلين، نبينا محمد وعلی آله وصحبه أجمعين.

شاید بعضی‌ها نوشتن کتابی در مورد مسجد الاقصی و جایگاه آن در شریعت اسلامی، و اهمیت آن در دل مسلمانان را نادرست و بی‌ارزش تلقی کنند، زیرا این مسئله را از مسائل قطعی و ثابت شده‎ای می‌دانند که جای هیچگونه بحث و مجادله‎ای نیست. و نیازی به توضیح و بیان ندارد؛ چرا که جایگاه و برتری آن با نص قرآن و حدیث پیامبرص و اجماع امت ثابت شده است؛ اما ما یقین داریم کسی که این رساله را مطالعه کند حقایقی برایش روشن می‌شود که پس از آگاهی از آن‌ها و اطلاع پیدا کردن در مورد نیرنگ و فریبکاری‌های عده‎ای از مردم که ادعای یاری و نصرت مسجد الاقصی؛ سرزمین اسراء و معراج را دارند. و همچنین از دغل کاری و حقه بازی‌های مردمانی که به ظاهر پرچم دفاع از مردم مستضعف فلسطین و مقدسات آن‌ها را برافراشته‎اند پی ببرد عذر مرا هم خواهد پذیرفت.

به همین جهت دفاع از جایگاه و ارزش مسجد الاقصی، و آگاهی بخشی در مورد کتاب‌ها و مراجع مورد اعتماد، و ثقه شیعه‎ها-که کم هم نیستند- لازم وضروری است!! آگاهی دادن در مورد چیزهایی که شیعه‎ها راجع به مسجد الاقصی که در فلسطین واقع شده است با دستان خود نوشته‌اند؛ مبنی بر اینکه آن مسجد هیچگونه ارزش وجایگاهی ندارد بلکه مسجدی که دارای این جایگاه و ارزش است در آسمان قراردارد!! و بیشتر مردم دچار خیال بافی شده‎اند که مسجد الاقصی را همان مسجد قدس می‌دانند!!.

ما تلاش نموده‎ایم که این پندارهای بی‌پایه و بی‌اعتبار را جواب دهیم و از زشتی و پلیدی آن‌ها پرده برداریم، تا با سخن و قلم در کشف حقایق و برطرف نمودن پرده‎های سیاه و تاریک سهمی داشته باشیم، و از دسیسه‎ها و نیرنگ‌هایی که افترا گویان و دروغ پردازان در صدد نوشتن و ثبت آن‌ها در کتاب‌هایشان هستند، مردم را مطلع نماییم.

و همچنین در خلال بحث و بررسی‌های خود ثابت نموده‎ایم که هرکس- از یهود و مستشرقین- که در صدد ایجاد شک و گمان در مورد جایگاه مسجد الاقصی بوده است، این گمان و پندارهای بی‌ارزش را از مراجع و کتاب‌های شیعه برکشیده و آن‌ها را شمشیری تیز و برنده در راستای ثوابت و عقیده امت ما قرار داده است تا از ارزش و جایگاه مسجد الاقصی در دل‌های مابکاهد.

می‎خواهم اشاره کنم که هدف ما از نوشتن این رساله همبستگی و هم صدایی مسلمانان و وحدت کلمه امت اسلامی و اتفاق بر مقدسات خود و همچنین دوستی کسانی که خداوند فتح و پیروزی را بر دست‌های آن‌ها قرار داده است می‌باشد. و از سوی دیگر جلوگیری از یورش لشکر پروفیسورهای یهود و مستشرقینی است که ماده کشنده و ویرانگر شک و شبهه را در کتاب‌های شیعه یافته و آن را وسیله‎ای برای اهانت و بی‌ارزش جلوه‌دادن جایگاه مسجد الاقصی نزد مسلمانان قرار داده‌اند. پس بسیار ضروری است که در مورد این روایات شک آمیز و دروغین شیعه‎ها که در مورد ارزش و جایگاه مسجد الاقصی وارد شده‎اند تحقیق و بررسی به عمل آوریم و در راستای اثبات فضیلت و برتری بیت المقدس با دلایل و برهان‌های دندان شکن گام برداریم.

والحمد لله رب العالمين

طارق احمد حجازی

افترایی در یک کتاب!!

(مسجد الاقصی کجا است؟) نام و آدرس کتابی است که علامه شیعه «جعفر مرتضی عاملی» آن را نگاشته است و در آن چنین آمده است: (واقعیت‌هایی در خصوص مسجد الاقصی برای ما روشن گردیده که به طور قطع بیان می‌دارند که مسجد الاقصی در فلسطین واقع نمی‌باشد).

و اقوال و روایات زیادی را از مراجع و کتاب‌های سیره و تفاسیرگوناگون معتبر نزد شیعه‎ها را بیان می‌دارد که دال بر صحت تأویل او برای حادثه اسراء، و اینکه مسجد الاقصی مسجدی در آسمان می‌باشد!!!.

چنان‌که تصریح می‌دارد که مسجد الاقصی مسجدی است در آسمان بر خلاف اعتقاد عموم مسلمانان که می‌گویند مسجد الاقصی همان قدس است!!.

و (عاملی) در کتابش به نام (الصحیح من سیرة النبي الأعظم)[[1]](#footnote-1) می‌گوید: (هنگامی که عمر وارد بیت المقدس شد مسجدی درآنجا وجود نداشت چه رسد به اینکه نامش را اقصی بنهند)[[2]](#footnote-2) (و مسجد الاقصایی که اسراء (شب روی) به سوی آن واقع شد، و خداوند دور و بر آن را پر برکت و گرامی داشته است، مسجدی است در آسمان)[[3]](#footnote-3) [[4]](#footnote-4).

و هنگامی که آراء و نظرات را در مورد تباه‌کاریهای یهود که دو بار در سورۀ اسراء ذکر شده بیان می‌دارد، سخن آن‌هایی که مسجد الاقصی را همان مسجد قدس می‌دانند را این گونه توصیف می‌کند: این سخنان، فرضیات و احتمالات غیر واقعی هستند. و به دنبال آن می‌گوید: می‎گوییم همه این‌ها پندارهایی هستند درخیال آن‌هایی که مسجد الاقصی را همان مسجد واقع در فلسطین می‌دانند و بدان استدلال می‌کنند[[5]](#footnote-5).

و یکی دیگر از دلایلی که بدان استدلال می‌نماید مبنی بر اینکه مسجد الاقصی در آسمان می‌باشد!! روایتی است که در کتاب بحار الأنوار(مجلسی)[[6]](#footnote-6) آمده است:

«عن أبی عبد الله÷ قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل فقال: المسجد الحرام، ومسجد الرسولص، قلت: والمسجد الأقصی جعلت فداك؟ فقال: ذاك في السماء، إليه أسري برسول اللهص فقلت: إنّ الناس يقولون إنّه بيت المقدس؟ فقال: مسجد الکوفة أفضل منه»!!**.**

از ابی‌عبدالله روایت شده که می‌گوید: از پیامبرخداص سوال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت و برتری هستند، فرمود: مسجد الحرام، و مسجد پیامبرص گفتم مسجد الاقصی چه فدایت شوم؟ فرمود آن در آسمان است و پیامبرص به سوی آن اسراء نمود، گفتم: مردم می‌گویند که آن مسجد، همان مسجدی است که در بیت المقدس واقع است؟ فرمود: مسجد کوفه از آن برتر است.

در اینجا این سؤال مطرح است که آیا آنچه که عاملی می‌گوید از نظرشیعه ها جزو بدعت‌ها وسخنان بی‌پایه محسوب می‌شودیا اینکه عقیده‌ای استوار ودیدگاه آن‌ها است؟

برای جواب این سؤال به تفاسیر آن‌ها مراجعه می‌کنیم تا ببینیم که مسجد الاقصی دارای چه جایگاهی است؟!

جایگاه مسجد الاقصی در تفاسیر شیعه

1-تفسیر صافی

در تفسیر صافی تألیف (فیض کاشانی) در تفسیر آیه:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

‏تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمّد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

چنین آمده است: (یعنی به سوی مُلک عظیم مسجد الاقصایی که در آسمان واقع شده است، چنان‌که دراخبار وروایات آشکارمی‌شود)[[7]](#footnote-7).

و به دنبال سخن فوق این روایت را می‌آورد:

«روی القمّی عن الباقر÷ أنّه کان جالساً فی المسجد الحرام فنظر إلی السماء مرةً وإلی الکعبة مرةً ثم قال: ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾.

وکرر ذلك ثلاث مرات ثم التفت الی إسماعيل الجُعفي فقال: أيّ شيء يقول أهل العراق في هذه الآية يا عراقي؟ قال: يقولون: أسري به من المسجد الحرام إلی بيت المقدس؛ فقال: ليس کما يقولون، ولکنّه أسري به من هذه إلی هذه، وأشار بيده إلی السماء، وقال بينهما حرم»[[8]](#footnote-8)**.**

 قمی از امام باقر÷ روایت می‌کند که او در مسجد الحرام نشسته بود، نگاهی به آسمان وسپس به کعبه نمود و این آیه را تلاوت نمود:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾.

این کار را سه بار تکرار نمود و سپس رو به اسماعیل جُعفی کرد وگفت: ای عراقی! اهل عراق در مورد این آیه چه می‌گویند؟ گفت: می‌گویند: پیامبرص در حادثه اسراء از مسجد الحرام به بیت المقدس برده شد، گفت: نه، چنین نیست که آن‌ها می‌گویند بلکه از اینجا به آنجا برده شد و با دست‌هایش به آسمان اشاره نمود و گفت: مابین آن‌ها حرم است.

2- تفسیر نور الثقلین

(حویزی)[[9]](#footnote-9) در تفسیر نورالثقلین، تفسیرسوره اسراء را با ذکر روایات گذشته و تأکید بر آن‌ها، این چنین آغاز می‌کند.

از سالم حناط از مردی از ابی عبدالله÷ روایت می‌کند که گفت: در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت هستند از او سؤال نمودم در جواب گفت: مسجد الحرام، و مسجد پیامبرص. گفتم: مسجد الاقصی چه جانم فدایت؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبرص به سوی آن اسراء نمود، گفتم: مردم می‌گویند که آن مسجد همان بیت المقدس است؟ گفت: (مسجد کوفه از آن برتر است)[[10]](#footnote-10).

(حویزی) از قول علی بن ابراهیم، می‌افزاید که گفت: خالد از حسن بن محبوب از محمد بن یسارازابی مالک ازدی از اسماعیل جعفی روایت نموده که گفت: من در مسجدنشسته بودم وابو جعفر÷ نیز در گوشه‌ای از مسجدحضور داشت و سر را بلند کرد و به آسمان نگریست و سپس به کعبه نگاه کرد و گفت:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

«تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمّد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند)».‏

و سه بار این آیه را تکرار نمود و سپس به من نگاه کرد وگفت: ای عراقی! اهل عراق در مورد این آیه چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند پیامبرصاز مسجد الحرام به بیت المقدس، به اسراء برده شد، گفت: (نه چنین نیست که آن‌ها می‌گویند، بلکه از این جا، به آنجا (و با دست‌هایش به آسمان اشاره نمود) به اسراء برده شد، و گفت: و حرم مابین آن دو است[[11]](#footnote-11).

3-تفسیر عیاشی

عیاشی در تفسیر آیه اول سوره اسراء روایتی را می‌آورد که بر آن تأکید دارد که مسجد الاقصی درآسمان قرار دارد، و می‌گوید:

«عن سالم الحناط عن رجل عن أبی عبد الله÷ قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسولص، قلت: والمسجد الاقصی جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، اليه اسری رسول اللهص فقلت: إنّ الناس يقولون إنّه بيت المقدس؟ فقال مسجد الکوفة افضل منه»[[12]](#footnote-12)!!.

**«ا**ز سالم حناط ازمردی او هم از ابی عبد الله÷ روایت نموده که گفت: از ابی‏عبدالله÷ سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجدالرسولص گفتم: مسجدالاقصی‎چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبرص به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می‌گویند: مسجد الاقصی همان بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!.

4- البرهان فی تفسیرالقرآن

بحرانی در تفسیر (البرهان فی تفسیر القرآن) روایتی را- که در بیشتر و مهمترین تفسیرهای شیعه تکرار شده، و همچنین طباطبائی نیز در تفسیر المیزان آن را ذکر نموده است- آورده که (گمان او) به طور قطع دال بر این است که مسجدالاقصی در آسمان است. «عن سالم الحناط عن رجل عن أبی عبد الله÷ قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، ومسجد الرسولص قلت: والمسجد الأقصی جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، إليه أسری رسول اللهص فقلت: إنّ الناس يقولون إنّه بيت المقدس؟ فقال مسجد الکوفة أفضل منه»[[13]](#footnote-13)!!. از سالم حناط از مردی او هم از ابی عبد الله÷ روایت نموده که گفت: از ابی عبد الله سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسولص گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟
 گفت: گفت: آن در آسمان است و پیامبرص به سوی آن اسراء نمود.گفتم: مردم می‌گویند: مسجد الاقصی در بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!.

5- بیان السعادة

سلطان جنابذی در کتاب (بيان السعادة في مقامات العبادة) اقوال زیر را در تفسیر آیه اول سوره اسراء گرد آوری و بیان می‌دارد.

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا﴾ [الإسراء: 1].

‏ تسبیح و تقدیس خدایی را سزاست که بنده خود (محمّد پسر عبدالّله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد.

یعنی مسجد الحرامی که در بیت المقدس است، یا به بیت المقدسی که در آسمان چهارم قرار دارد و به بیت المعمور نیز مشهور است که مسجد الاقصی نمادی از آن است و آنکه ملکوتی و واقعی می‌باشد در آسمان است، همچنان‌که مسجد الحرام نمادی از مسجد الحرامی است که حقیقتش در آسمان است)[[14]](#footnote-14).

و ﴿ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ﴾ [الإسراء: 1].

 را چنین تفسیر می‌نماید: (در واقع حوالی و دور و بر بیت المقدس، شام و مصر می‌باشد که این دو (منطقه) از سایر بلاد و شهرها جدا و متمایز می‌باشند زیرا دارای نعمت‌های زیادی از هرجنس می‌باشند، و بیت المعمور که در آسمان چهارم است، مشخص است که حوالی و دور و برش دارای برکت بسیاری است)[[15]](#footnote-15).

آنچه گذشت بر آن دلالت دارد، که حدیثی که در بیشتر تفسیرهای شیعه آمده در رابطه بامسجدی است که پیامبرصبه سوی آن به اسراء برده شد و آن در آسمان و در بیت المعمور می‌باشد و نامش مسجد الاقصی، همنام مسجدی است که در قدس قرار دارد!!

هم اکنون به بیان و ذکر گوشه‏ای دیگر از مراجع مورد اعتماد شیعه‏ها می‌پردازیم تا خوانندگان محترم بیشتر با معتقدات و دیدگاه‌های آن‌ها در مورد مسجد‏الاقصی آشنا شوند؟!.

جایگاه مسجد الاقصی در مراجع شیعه

آنچه که در کتاب‌های شیعه آمده با اقوال و سخنانی که در بارزترین و مهمترین تفسیر‏های آنان ذکر شده، تفاوتی ندارد، و هم اکنون به بیان جایگاه مسجد الاقصی در مهمترین و بارزترین کتاب‌های شیعه می‌پردازیم.

1- بحار الأنوار

مجلسی در بحار الأنوار چنین ذکر می‌نماید:

«عن ابی عبد الله÷ قال: سألته عن المساجد التي لها الفضل؟ فقال المسجد الحرام، و مسجد الرسولص قلت: و المسجد الاقصی جعلت فداك؟ قال: ذلك في السماء، إلیه أسری رسول اللهص فقلت: إنّ الناس یقولون إنّه بیت المقدس؟ فقال: مسجد الکوفة أفضل منه»[[16]](#footnote-16).

 از ابی عبد الله÷ روایت نموده که او گفت: از ابی عبد الله سؤال نمودم در مورد مسجدهایی که دارای فضیلت بیشتری هستند، گفت: مسجد الحرام و مسجد الرسولص گفتم: مسجد الاقصی چه، فدایت شوم؟ گفت: آن در آسمان است و پیامبرص به سوی آن اسراء نمود. گفتم: مردم می‌گویند: مسجد الاقصی در بیت المقدس است؟ گفت: مسجد کوفه از آن فضیلت بیشتری دارد!!.

2- منتهی الآمال

در کتاب منتهی الآمال، تألیف عباس قمی چنین آمده: «قول مشهور این است که مسجد الاقصی، همان بیت المقدس است، اما از مجموع احادیث زیادی که در این زمینه وارد شده‏اند چنین بر می‌آید که مراد از آن، بیت المعموری است که در آسمان چهارم قرار دارد و دورترین مسجد هم می‌باشد»[[17]](#footnote-17).

3- کامل الزیارات

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات» چنین آورده است: از ابی‌عبدالله÷ روایت است که گفت: «مردی پیش امیر المؤمنین آمد و ایشان در مسجد کوفه بودند، گفت: درود و سلام و برکات خدا بر تو باد ای امیرالمؤمنین، امیرالمؤمنین هم جواب سلام او را داد. آن مرد گفت: من می‌خواهم به مسجد الاقصی بروم اما خواستم که پیش از عزیمت به آنجا به حضور شما بیایم و از شما سلام و خدا حافظی بکنم، امیرالمؤمنین÷ گفت: برای چه بدانجا می‌روی؟ گفت: فدایت شوم برای ثواب و فضیلت، گفت: وسیله سواریت را بفروش و پول آن را مصرف کن، و در این مسجد نماز بخوان، زیرا ادای نماز فرض در این مسجد، حج مبرور است، و ادای نماز سنت در آن عمره مبرور است، و مسافت دوازده میل از هرطرف آن مبارک است، و جهت راست آن دارای یمن و طرف چپش مبارک است و در وسط آن چشمه‏ای از روغن و چشمه‏ای از شیر و چشمه‏ای از آب است که برای مؤمنان شراب است، و نیز چشمه‏ای از آب است که برای مؤمنان وسیله پاکیزگی است، و حرکت کشتی نوح از آن سرگرفت، و نسر و یغوث و یعوق نیز در آنجا بوده‏اند، و هفتاد پیامبر و هفتاد وصی و جانشین در آنجا نماز خوانده‏اند که من یکی از آن وصی و ولیها می‌باشم، و گفت: هیچ مصیبت زده‏ای در آنجا دعا نکرده و طلب رفع مشکل ننموده مگر اینکه خواسته‏اش مستجاب گردیده و خداوند مشکلش را رفع نموده است»[[18]](#footnote-18).

4- الصحیح من سیرة ا لرسول الأعظم

(جعفر عاملی)در کتاب (الصحيح من سيرة الرسول الأعظم)مقرر می‌نماید که: مسجد الاقصی، مسجدی است در آسمان و به حدیثی استناد می‏کند که نه از لحاظ سند صحیح است و نه از لحاظ متن، و آن را به پیامبرص نسبت می‌دهد و می‌گوید: پیامبرص فرمود:

«لما اُسرِي بی إلی السماء إذا علی العرش مکتوب: لا إله إلاّ الله محمد رسول ‏الله، أيدته بعليّ÷»[[19]](#footnote-19).

«هنگامی که به اسراء برده شدم دیدم که بر عرش نوشته شده بود: لا إله إلّا الله محمد رسول الله، ايدته بعلي÷».

یعنی هیچ معبودی جز الله وجود ندارد وپیامبر فرستاده او است که خداوند او را با علی÷تأیید و تقویت نمود. و در کتاب (المسجد الأقصی، أين؟)مسجد الاقصی کجا است؟) برای تأویل و توجیه سخن خود چنین دلیل می‌آورد: این از ساده‎ترین چیزهایی است که کلمه اقصی از لحاظ لغوی به معنی دور است و بلاغت قرآن کریم بهترین شاهد و دلیل بر این مدعا است آنجا که می‌فرماید:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

‏ تسبیح و تقدیس خدایی را سزد که بنده خود (محمّد پسر عبدالله) را در شبی، از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور وبر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (دراین کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

اسراء یعنی رفتن در شب خواه این رفتن به صورت افقی باشد یا به صورت عمودی، و أقصی نیز به معنی دور و دوری است؛ پس بیت المقدس بر فرض اینکه مسجد الاقصی باشد، اگر چه از اهل حجاز دور است اما از اهل شام نزدیک است بر این اساس باید مسجد الاقصی از هرجهتی به صورت مساوی از همه مردم دور باشد، و ما با توجه به روایاتی که در این زمینه بیان نمودیم برآن تأکید کردیم که مسجد الاقصی در آسمان چهارم در بیت المعمور قرار دارد)!!.

5- الکافی

و در روایت الکافی چنین آمده: به او گفتم: به من خبر رسیده که شما یکی از نام‌های خدا را می‌دانید که هر شب و روز به وسیله آن به بیت المقدس می‌رسید و به خانه خود باز می‌گردید، گفت: مگر شما بیت المقدس را می‌دانید؟ گفتم من تنها آن بیت المقدسی را می‌شناسم و می‌دانم که در شام قرار دارد؟ گفت: نه بیت‏المقدس آن نیست، بلکه بیت المقدس همان خانه آل محمدص می‌باشد؛ به او گفتم: اما آنچه که من تا به امروز شنیده‏ام این است که بیت‏المقدس همان است (که در قدس قرار دارد)؛ گفت: نه آن محاریب الانبیاء است، و تا فتره و مدت زمان بین عیسی÷ و محمدص بدان حظیرة الانبیاء نیز می‌گفتند تا اینکه بلاها از جانب مشرکان و کینه توزی و گرفتاری و خصومت از طرف شیاطین و اهریمنان به بار آمد و تغییر و تحولات‌هایی روی داد و آن نام‌ها را نقل نمودند، چنان‌که خداوند می‏فرماید: ظاهر وباطن برای آل محمد آشکار است:

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ﴾ [النجم: 23].

این‌ها فقط نام‌هائی (بی‌محتوی و اسم‌هائی بی‌مسمی) هستند که شما و پدرانتان (از پیش خود) بر آن‌ها گذاشته‌اند. هرگز خداوند دلیل و حجتی (بر صحت آن‌ها) نازل نکرده است.

6- علل الشرایع

و در کتاب علل الشرایع به اسناد از علی بن سالم از پدرش از ثابت بن دینار روایت است:

**«**سألت زين العابدين علی بن الحسين بن علی ابن أبی طالب÷ عن اللهأ، هل يوصف بمکان، فقال: تعالی عن ذلك، قلت: فلم أسری بنبيهص إلی السماء، قال: ليريه ملکوت السموات، وما فيها من عجايب صنعه وبدائع خلقه..»[[20]](#footnote-20).

از زین العابدین علی ابن حسین ابن ابی طالب÷ پرسیدم که آیا خداوندأ مکان دارد؟ گفت: خدا برتر از آن است. گفتم: پس چرا به پیامبرش اسراء نمود و او را به آسمان فرا خواند؟ گفت: برای اینکه ملکوت آسمان‌ها و شگفتی‌های آفرینش و نوآوریهای خلقت را به او نشان دهد.

7- المصباح فی الادعیة والصلوات والزیارات

در حاشیه دعای معراج در کتاب (المصباح في الأدعية والصلوات و الزيارات)تألیف تقی الدین کفعمی چنین آمده: (این دعا دارای ارزش زیاد و جایگاه ویژه‏ای است، امیرالمؤمنین÷ آن را از پیامبرص روایت نموده که خلاصه آن چنین است: وقتی که به آسمان به اسراء برده شدم، پی درپی حجاب‌ها را می‌بریدم تا اینکه هفتاد هزار پرده را قطع و پاره کردم که مابین هردو تا پرده به اندازه هفتاد هزار برابر فاصله مشرق و مغرب بود)[[21]](#footnote-21).

8- تفصیل وسائل الشیعه

محمد پسرحسن حر عاملی متوفای سال1104هـ در کتاب «تفصيل وسائل الشيعة إلی تحصيل مسائل الشريعة»در فصل (وجوب احترام مکة والمدينة والکوفة واستحباب سکناها، والصدقة بها وکثرة الصلاة فيها، والإتمام سفراً بها)[[22]](#footnote-22) روایاتی را ذکر می‏نماید که به گمان او، همچنان‌که (مکه حرم خداوند است، و مدینه حرم پیامبرص است، کوفه نیز حرم امیرالمؤمنین علی÷ است، و هرستمگری سوء قصد آن را بکند خداوند او را نابود و شکست می‌دهد)!!.

و روایات زیر را نیز آورده است:

از محمد بن علی بن حسین در کتاب (معانی الاخبار) از پدرش، از حسین بن یحی، از احمد بن محمد بن خالد، از ابی عبدالله رازی، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از موسی بن ابی بکر، از ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدران و اجدادش روایت نموده که پیامبرصفرمود:«إنّ الله اختار من البلدان أربعة، فقال عز وجلّ:

﴿وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ١ وَطُورِ سِينِينَ٢ وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ٣﴾ [التين: 1-3].

«سوگند به انجیر و زیتون!‏‏ و سوگند به طور سینین!‏‏ و سوگند به این شهر امین(مکه)!».

خداوند در میان شهرها چهارشهر را بر گزید: (تین: یعنی مدینه، زیتون: یعنی بیت المقدس، وطورسنین: یعنی کوفه، ووهذا البلد الامین: یعنی مکه)[[23]](#footnote-23).

واز ابی جعفر÷ روایت است که امیر المؤمنین÷ فرمود:

﴿وَءَاوَيۡنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبۡوَةٖ ذَاتِ قَرَارٖ وَمَعِينٖ٥٠﴾ [المؤمنون: 50].

و آن دو را به تپه‌ای پناهنده کردیم که آرامش و امنیت و آب جاری داشت.

ربوة: یعنی کوفه، والقرار: یعنی مسجد والمعین: یعنی فرات)[[24]](#footnote-24).

برتری مسجد کوفه بر سه مسجد ذکر شده، نزد شیعه‌ها

علاوه بر اینکه مسجد کوفه نزد شیعیان بر مسجدالاقصی برتری دارد، روایاتی هم دارند دال بر اینکه مسجد کوفه بر همه مساجد به جز بیت‏الله تقدم دارد، و مسجد کوفه سرزمینی است که خداوند آن را مبارک نموده!! و قبل از خلقت آدم، عبادتگاه فرشتگان بوده، و بعداً هم عبادتگاه آدم و همه پیامبران و اولیا و صدیقین بوده است!! و وسط آن باغچه‏ای از باغچه‏های بهشت است، و در روز قیامت مردم در آن حشر می‏شوند!! شگفت آورتر اینکه مسجد کوفه از جمله مسجدهایی است که برای زیارت آن باید بار سفر بست و مهاجرت نمود!![[25]](#footnote-25).

روایات زیر که در کتاب‌هایشان آمده، این دیدگاه را تأیید می‌کند.

شیخ صدوق در کتاب الخصال روایت نموده که «بار سفر تنها برای سه مسجد بسته می‌شود: مسجدالحرام، مسجد رسول‏اللهصو مسجد کوفه»[[26]](#footnote-26).

باز شیخ صدوق در کتاب خویش به نام من لایحضره الفقیه والخصال، با استناد از امیرالمؤمنین÷ روایت می‌کند که ایشان گفتند:

 «لا تشد الرحال إلا إلی ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجد رسول‏اللهص، ومسجد الکوفة»[[27]](#footnote-27).

سفر و مهاجرت تنها برای زیارت سه مسجد درست است، مسجدالحرام، مسجد پیامبرص**،** ومسجد کوفه.

مسجد کوفه[[28]](#footnote-28) نزد شیعه‏ها دارای جایگاه و ارزش ویژه‏ای است به گونه‏ای که مسجدالاقصی، از آن جایگاه و ارزش برخوردار نیست این به نص احادیث و روایاتی که در کتاب‌های معتمد و مورد ثقه آن‌ها نوشته شده و از جمله این روایت‌های باطل موارد زیر می‌باشند.

کلینی در کتاب خویش به نام الکافی به استناد از خالد قلانسی روایت می‏کند که گفت: از ابا عبدالله÷شنیدم که گفت: «صلاة في مسجد الکوفة بألف صلاة»[[29]](#footnote-29).

ادای یک نماز در مسجد کوفه برابر است با هزار نماز در جاهای دیگر!!.

و از حسان بن مهران روایت شده که گفت: از اباعبدالله÷ شنیدم که گفت: امیرالمؤمنین÷فرمود:

«مکة حرم الله، والمدينة حرم رسول ‏الله، و الکوفة حرمی لا يريدها جبار بحادثة إلا قصمه ‏الله»[[30]](#footnote-30).

مکه حرم خدا و مدینه حرم پیامبرصو کوفه حرم من است و هرستمگری سوء قصد آن را بکند خداوند او را شکست و نابود می‌سازد.

و در روایت دیگری چنین آمده:

«إنّ الکوفة حرم ‏الله وحرم رسول‏اللهص وحرم أميرالمؤمنين وأنّ الصلاة فيها بألف صلاة والدرهم بألف درهم»[[31]](#footnote-31).

 کوفه حرم خدا و حرم پیامبرص و حرم امیرالمرمنین÷ است و یک نماز در آن برابر است با هزار نماز و یک درهم آنجا برابر است با هزار درهم.

و در جاهای دیگر نیز چنین آمده است:

«إنّ لله حرماً هو مکة ولرسوله حرماً وهو المدينة ولأمير المؤمين حرماً وهو الکوفة، ولنا حرماً وهو قم[[32]](#footnote-32) ستدفن فيه امرأة من ولدي تسمی فاطمة من زارها وجبت له الجنة»[[33]](#footnote-33).

خداوند حرمی‌ دارد که مکه است، و پیامبرص حرمی دارد که مدینه است و امیرالمؤمنین حرمی دارد که کوفه است و ما هم حرمی داریم که قم می‌باشد و زنی از فرزندان من در آنجا دفن خواهد شد که نامش فاطمه است، هرکس او را زیارت کند بهشت برای او واجب می‌گردد.

کربلا از کعبه و مسجد الاقصی برتر است!!

شیعه‏ها اماکنی را مقدس می‏دارند که نه در کتاب خدا و نه در سنت پیامبرص هیچگونه قداستی برای آن‌ها ثابت نشده از جمله این اماکن، کربلا است به خصوص قبر حسین÷، از ابی عبدالله روایت شده که گفت:

«إذا أردت الحج ولم يتهيأ لك، فأت قبر الحسين فإنها تکتب لك حجة، وإذا أردت العمرة ولم يتهيأ لك، فأت قبر الحسين فإنها تکتب لك عمرة»[[34]](#footnote-34)**.**

هرگاه اراده حج نمودی اما برایت میسر نشد و امکان نداشت، به زیارت قبر حسین برو چرا که با زیارت آن حجی برایت نوشته می‏شود و هرگاه قصد عمره نمودی و برایت میسر نشد، باز به زیارت قبر حسین برو زیرا که زیارت قبر او ثواب عمره‏ای رادارد.

و در بحار الأنوار می‌خوانیم:

«إتخذ الله أرض کربلا حرماً آمناً مبارکاً قبل أن يخلق الله أرض الکعبة ويتّخذها حرماً بأربعة وعشرين ألف عام، وقدسها وبارك عليها، فما زالت قبل خلق الله الخلق مقدّسة مبارکة ولا تزال کذلك حتی يجعلها الله أفضل أرض في الجنة، وأفضل منزل ومسکن يسکن فيه أولياءه في الجنّة»[[35]](#footnote-35)**.**

 خداوند بیست و چهار هزار سال پیش از آنکه سرزمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، سرزمین کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد، و آن را مقدس گردانید و در آن برکت قرار داد، و قبل از خلق خلایق و آفریده‏ها نیزآنجا مقدس و مبارک بوده و همواره مقدس و مبارک باقی خواهد ماند تا اینکه خداوند آنجا را برترین زمین در بهشت قرار می‏دهد و بهترین منزل و مسکنی است که اولیای خود را در بهشت در آن سکونت می‌دهد.

بلکه غلو و افراط، آن‌ها را به این عقیده رسانده که زیارت قبر حسینس را بر زیارت و حج بیت‏الله ترجیح می‌دهند از ابی عبدالله روایت شده که گفت:

«من زار قبر الحسين يوم عرفة کتب الله له ألف ألف حجة مع القائم÷ وألف ألف عمرة مع رسول‏اللهص وعتق ألف نسمة وحملان ألف فرس في سبيل‏الله وسماه الله عزوجل عبدی الصدّيق، آمن بموعدی، و قالت الملائکة: فلان صديق زکاه الله من فوق عرشه، وسمی في الأرض کروبياً»[[36]](#footnote-36).

هرکس در روز عرفه قبرحسین را زیارت کند خداوند ثواب هزار هزارحج با امام مهدی و هزار هزار عمره با پیامبرص را برایش می‌نویسد، و نیز ثواب آزاد نمودن هزار نفر و بخشش و انفاق به اندازه بار هزار اسب در راه خدا را برایش می‌نویسد، و خداوند او را بنده صدّیق و راستگوی خود می‌نامد و فرشتگان نیز می‏گویند: فلان کس راستگو است و خداوند، در بالای عرش او را پاک و تزکیه نموده، و در زمین نیز او را گرامی و ارجمند می‌نامد.

فضیلت زیارت قبر حسینس نزد آن‌ها نه اینکه ازحج بیشتر است، بلکه افضل و بهترین اعمال است، در روایات آن‌ها آمده که زیارت قبر حسین: «أفضل ما يکون من الأعمال» برترین اعمال است، و در روایت دیگری: «مِن أحبِ الأعمالِ زيارتُ قبِر الحسين»[[37]](#footnote-37) زیارت قبر حسین دوست داشتنی‏ترین اعمال نزد خداوند است.

مجلسی فصل خاصی را به این موضوع تخصیص داده و مجموعه‏ای از این روایات را درآن ذکر نموده است[[38]](#footnote-38).

و شیخ و پیشوایشان فیض کاشانی درحاشیه روایاتی که در باره فضایل زیارت قبر حسین ذکر نموده، می‏گوید: (این برای کسی که خداوند او را امام و پیشوای مؤمنان قرارداده، و آسمان‌ها و زمین را بخاطر او خلق نموده است، و او را راه، و چشم، و دلیل، و دری که از آن وارد می‌شود، و ریسمانی که خدا و بندگانش از پیامبران و اولیا و صلحا را با هم پیوند داده است- زیاد نیست، تازه علاوه بر اینکه قبر آن‌ها نیزدر آنجا قرار دارد مزیت‌های دیگری نیز دارد زیرا در واقع سفر برای زیارت قبر حسین، انفاق اموال، و برآورده نمودن آرزوها، و دوری از وطن، و تحمل مشقت و ناراحتی‌ها، و تجدید عهد و پیمان و حضور در انجام شعایر و ادای مناسک نیز می‏باشد[[39]](#footnote-39).

این‌ها جزء کمی از فضایل مسجد کوفه و سرزمین کربلا، از نظر شیعه می‏باشد و قسمت اعظم آن را به دلیل پرهیز از اطاله کلام، ترک نموده‏ام، و اگر کسی خواهان اطلاعات بیشتری در این زمینه می‏باشد، به کتاب‌های فقهی امامیه و زیارت نامه‏ها و اخبار آنان مراجعه نماید.

بدون شک، دشمنی و کینه توزی شیعه‏ با بنی امیه، آن‌ها را وادار به ذم و نکوهش و کم ارزش جلوه‌دادن آنچه که بنی امیه بدان اقدام نمودند مانند تجدید بنای مسجدالاقصی و تعمیر و بازسازی بیت‏المقدس به روش‌های جدید، نموده است و این -دشمنی بابنی‏امیه- از بارزترین و مهمترین عواملی بوده که جایگاه مسجدالاقصی را از دیدگاه شیعه کم ارزش نموده است و به اماکن و جاهای دیگر ارزش قایل شوند به گونه‏ای که آن جاها را بیشتر از مسجدالاقصی ارج بنهند و برتریش دهند، تا جایی که غلو و افراط‌گری آن‌ها به درجه‏ای رسیده که اماکن مقدسه خود را بر سه مسجدی که بار سفر برای زیارت آن‌ها بسته می‌شود (مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجدالاقصی) ترجیح می‏دهند. و بدین ترتیب به پاشیدن سمّ در دل اهل سنت و جماعت و توهین به مقدسات آن‌ها و پافشاری و اصرار بر ایجاد شک و گمان در خصوص هرآنچه که درکتاب و سنت راجع به فضایل مسجدالاقصی آمده است، اقدام نموده‏اند!!.

چگونه بیت‏المقدس از نظر آن‌ها جایگاه و ارزش داشته باشد در حالی که عمر فاروقسآن‏را فتح کرده.و صلاح الدین ایوبی/آن را آزاد نمود و بدین ترتیب گهواره پرورش علم و علما و تمدن گردید؟!!.

با وجود تمام این‌ها می‏گوییم: موقف علمای شیعه در برابر جایگاه مسجدالاقصی و همچنین مکان آنکه در زمین قرار دارد یا در آسمان، جدّاً با اشکال در روایات و اضطراب در آن‌ها مواجه است. زیرا بعضی از آن‌ها می‏گویند که مسجدالاقصی در فلسطین واقع شده و فضایل آن را نیز بر شمرده‏اند؛ مانند: طوسی در کتاب «الخلاف»، و حلی در کتاب «تحریر‏الأحکام» و همچنین در کتاب (تذکرة الفقهاء، و...اما در هر صورت جمهور علمای شیعه اتفاق نظر دارند بر اینکه مسجد کوفه از مسجدالاقصی برتر و با فضیلت‏تراست[[40]](#footnote-40).

گفتار شیعیان معاصر در خصوص جایگاه مسجدالاقصی

اقوال و تصریحات شیعیان در خصوص بی‌ارزش جلوه دادن جایگاه مسجدالاقصی و ارج نهادن و اهمیت بخشیدن به مقدسات خود بگونه‏ای که به هیچ‌یک از مسجدهایی که دارای اهمیت واقعی هستند و زیارت آن‌ها مورد سفارش پیامبرص بوده است، اهمیت نداده‏اند.که به نمونه‏هایی از آن اشاره می‏کنیم:

کربلا را قبل از قدس آزاد سازید!!

در سر فصل و تیتر یکی از شماره‏های مجله شیعی[[41]](#footnote-41) به نام (المنبر) که با خط درشت نوشته شده بود: (قبل از قدس، کربلا را آزاد سازید) چنین آمده:

در واقع کربلا با نص سخنان معصومین مقدس‏ترین و شریف‏ترین جای روی زمین است - حتی از مکه و مدینه- زیرا ارزش و قداست خود را با در آغوش گرفتن و در خود جای دادن تن مبارک خونبهای خدا و پاره تن رسول‏اللهص امام ابی عبدالله‏الحسین÷، کسی که خون پاکش با ذرات خاک این سرزمین آمیخته شد، بدست آورده و به سبب آن، از شرف و جایگاهی برخوردار شده که جایگاهی بالاتر از آن وجود ندارد، زیرا آنجا کعبه آزادگان و جای تمایل دل‌ها و محبت دوستان و مقصد نیازمندان و فقیران است.

این نویسنده می‌افزاید: (با وجود تمام شرف و ارزشی که قدس از آن برخوردار است باز جایگاه آن پایین‏تر از جایگاه کربلا است، پس قدس همچون کربلا نیست و حجر‏الاسود نیز مانند حسین نیست، و مسجد هم مانند حرم نیست....و در واقع مسئله قدس قضیه‏ای اساسی نیست بلکه قضیه‏ی مهم و اساسی، قضیه کربلا است...و ما باید پیش از آزادسازی قدس به فکر آزادی و رهایی کربلا باشیم[[42]](#footnote-42) و از آنجا به فلسطین برویم و این نور و هدایت را از فلسطین نیز به سایر کشورها منتقل نمائیم...

و قبلاً هم برایمان روشن شد که امکان ندارد قدس به دست این امت بازگردد مگر وقتی که امت به سوی محمدص و علی÷ بازگردند)!!.

و در ادامه می‏افزاید: «به سوی محمدص و علی÷ بازگردید. .قدس با مهدی به سوی شما باز می‏گردد...و پیش از هر چیز کربلا را آزاد سازید سپس به فکرقدس و جاهای دیگر باشید[[43]](#footnote-43).»

فضل وبرتری نجف بر قدس، در شعر ابن معصوم!!

ابن معصوم شیعه مذهب اشعار خود را به یاری و نصرت مذهبش تخصیص داده و آشکارا در کتابش به نام (سلافة العصر)[[44]](#footnote-44)، وهنگامی که به زیارت نجف می‌رود، شعری را سروده که در آن، نجف را بر مسجد الاقصی ترجیح و برتری داده و می‏گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ياصاح هذا المشهد الأقدس |  | قرت به الأعين والأنفس |
| والنجـف الأشرف بانت لنا |  | أعلامه والمعهدالأنفس |
| والقبة البيضـاء قدأشرقت |  | ينجاب عن لآلئها الحندس |
| حضرةقدس لم ينل فضلها |  | لا المسجدالأقصی ولا المقدس |

ای صاحب این بارگاه بسیار پاک و مبارک که چشم و دل با آن روشن و بینا می‏گردند.

و ای نجف بزرگوار و شریف آشکار شد برای ما چهرۀ تابناک و مناره‏هایش و جایگاه جان‌ها.

و قبه سفید برافروخت و از درخشش‌هایش شب تار روشن شد

قدس بزرگوار و مسجدالاقصای بیت‏المقدس به پای فضیلت تو نمی‌رسند

آزاد نمودن قبه سامراء از آزاد سازی قدس مهم‏تر است

(یاسر حبیب) شیعه مذهب کویتی در گزارشی که در لندن پس از حادثه منفجرنمودن قبه سامرا در عراق، ارائه داد.در شرح و تحلیل آن می‌گوید:

حرم عسکری شریف و مقدس غصب شده هنوز هم در دست چپاول گران است و تخریب می‏گردد و ویرانه‏ها بر روی جسد امامان معصوم ما†هنوز باقی است اما کسی نیست که این آثار مخروبه و ویرانه را دور اندازد، این حرم که تا این لحظه هم در دست ناصبی‌ها – اهل سنت- است باید از دست آن‌ها آزاد و بازگردانده شود، اهمیت بازگرداندن این حرم از اهمیت آزاد سازی قدس بیشتر است، آری آزاد سازی آن نزد خدا بزرگ‏تر است!! جسد امام معصوم از قطعه سنگی به نام صخره بسیار ارجمندتراست حتی اگر پیامبرخداص هم، روی آن عروج نموده باشد[[45]](#footnote-45).

سامراء و بقیع غرقد نزد شیعه‏ها از قدس اهمیت و جایگاه بیشتری دارند

برخی از دعوت‏گران شیعه اهتمام و توجه سیاست مداران خود، به قدس را تقبیح و مورد نقد قرار داده و آن را از مقاصد و اهداف سیاسی به حساب می‏آورند زیرا جایگاه قدس نزد علمایان آن‌ها جای اختلاف بزرگی است و این واقعیت از شرح و نصوص آن‌ها به وضوح نمایان است...توجه و اهتمام آن‌ها به قدس جنبه سیاسی دارد نه جنبه اعتقادی!!.

یاسر حبیب می‌نویسد (مسلمانان باید بیشتر به سرزمین مقدس (سامراء و بقیع غرقد) توجه داشته باشند] زیرا شرف و ارزش آن بسیار زیادتر از جایگاه بیت‏المقدس است، بلکه اصولا با هم مقایسه نمی‏شوند، این همه حرکات و احزاب شیعه روی چه اساسی به بیت‏المقدس اهمیت می‏دهند گویی که مسئله نخست و مهم ما است؟! نه هرگز چنین نیست! ما اگرچه به قضیه قدسشریف اهمیت می‏دهیم اما باید بر اساس میزان شرعی اولویت را به قضیه سامرا مقدس و قبرستان غرقد بدهیم و در درجه دوم به قدس و جاهای دیگر توجه داشته باشیم. باید سامرا و قبرستان غرقد را از دست ناصبی‌ها آزاد سازیم سپس قدس را از دست یهود رستگار کنیم، بسیارجای تعجب است چرا شیعیان مؤمن از این مسئله غافل‏اند؟!![[46]](#footnote-46).

کانون‌های (یاحسین) کانون‌های ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه اقصی

در یکی از کانون‌های (یا حسین) روی انترنت سؤالاتی را در خصوص مکان مسجدالاقصی به عنوان موضوعی اختلافی که مورد بحث و مناقشه است، طرح نموده که عنوان آن چنین است: مسجدالاقصی در کجا واقع شده است؟! و شرح سؤال را چنین بیان نموده: آیا بیت المقدسی که هم اکنون در فلسطین است همان مسجدالاقصی است که خداوند درمورد آن می‌فرماید:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

‏تسبیح و تقدیس خدائی را سزاست که بنده خود (محمّد پسر عبدالّله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

درجواب و مناقشه‏های این سؤال چنین آمده:

یکی از آن‌ها می‏گوید:[[47]](#footnote-47) (باید ملاحظه نمود، مسجدالاقصایی که در فلسطین واقع است، در روایات اهل بیت اساس و حقیقتی ندارد بلکه مسجدالاقصای واقعی آن است که در آسمان قرار دارد، این شخص ادعا می‏کند که این صخره تنها نزد یهودی‌ها مقدس است، و بسیاری از فضایلی که در اصل برای مسجد امیرالمؤمنین÷ (مسجد کوفه) است. یهودیان آن را تبدیل و تحریف نموده و برای اقصای خود که قبله آن‌ها است، قرار داده‏اند)!!.

یکی دیگر از آن‌ها نوشته که ارزش و جایگاه مسجدالاقصی: «از بدعت‌های یهود می‏باشد که اهل سنت از آن محافظت و بدان عمل می‌نمایند»!!.

یکی دیگر توضیح می‌دهد که: «اهمیت دادن به مسجدالاقصی و حکم شرعی در مورد فلسطین و مقدسات آن بدان خاطر نیست که مسجدالاقصی همان بیت المعمور یا بیت‏المقدس باشد بلکه از این لحاظ است که مرجع تقلید ما، بدان فتوا داده است و مسلم است که تقلید از آن بر ما واجب است و اگر چنان‌چه مرجع تقلید فتوا دهد و بر ما واجب گرداند که مسئله فلسطین را نگهداری کنیم و اهل آنجا را یاری دهیم و با هر وسیلۀ ممکن از آن‌ها دفاع کنیم، این کار بر ما واجب خواهد شد و چنان خواهیم کرد اگرچه مسجدالاقصی، بیت‏المقدس هم نباشد و حتی اگر در فلسطین هیچگونه نشان و علامتی از مکانهای مقدس اسلامی وجود نداشته باشد»!!.

شرکت کننده‏ای دیگر (در این مناقشه) می‌نویسد: «اگر بیت‏المقدسی که درفلسطین قرار دارد تا این درجه اهمیت دارد، چرا اهل بیت† هیچگونه مدح و ستایشی از آن نکرده‏اند بلکه برعکس آن‌ها مسجد کوفه را خیلی از آن مهم‏تردانسته‏اند».

یکی دیگر از آن‌ها می‌نویسد[[48]](#footnote-48): (به گواهی شیعه‏های سازش‏کار بیگانه پرست و گروه‌های گمراه دیگر[[49]](#footnote-49) غاصب دوم[[50]](#footnote-50) مسجد قدس را بنا نهاده است، و در آنجا چوب‌های بزرگ و محکمی[[51]](#footnote-51) وجود دارد که خراب‏الدین ایوبی[[52]](#footnote-52) روی آن حرف‌های مفت و گزاف را می‌گفته، اما با کمال تأسف کسانی هستند از شیعه‏ها که برای آن ناراحت می‏شوند و برای آزادی آن فعالیت می‏کنند و از اینکه یهودی‌ها کنار مسجدالاقصی را حفر می‌کنند گریه می‌نمایند.

یکی دیگر در وبلاگ خود نوشته است: (خدا بهتر می‏داند. اما ظاهراً مسجدالاقصی آن مسجدی نیست که در فلسطین قرار دارد، زیرا اگر آن مسجد چنان اهمیتی می‏داشت، به طور قطع اهل بیت به ما خبر می‏دادند و ما را به زیارت آن دستور می‏دادند چنان‌که نسبت به سایر اماکن مقدسه به ما دستورداده‏اند که به زیارت آن‌ها برویم، و خردمند کسی است که در این مسائل دقت کند تا در شبهات واقع نشود)!!.

آری آن‌ها راجع به جایگاه مسجدالاقصی این چنین اعتقادی را دارند که در نوشته‏ها و تحلیل و مناقشه‏هایشان آشکار می‏گردد!!.

مسجدالاقصی در نوشته‏های یهود

یهودی‌ها برای نقض و بی‌ارزش جلوه دادن مسجدالاقصی از روش‌های متعددی استفاده می‏کنند و با اسلوب‌های گوناگونی شک و تردید را در خصوص جایگاه و اهمیت آن در دل مسلمانان ایجاد می‏کنند و همواره محققین کینه‏توز یهودی، در مباحث و نوشته‏ها و تحقیقات خود بر این نکته تأکید می‏کنند که قداست شهر قدس با شک و تردید آمیخته است و با روش‌های گوناگونی می‏خواهند با حقایق اسلام و مقدسات آن توهین نمایند و از ارزش و جایگاه آن در دل مسلمانان بکاهند.

بارزترین و آشکارترین این تلاش‌ها، تأویل آیه‏های قرآن است که در مورد فضل و ارزش مسجدالاقصی نازل شده‏اند، و همچنین ایجاد شک و تردید در احادیث پیامبرص که همه علمای اهل سنت بر صحت آن‌ها اجماع و اتفاق دارند.

آن‌ها به گمان خود فکر می‏کنند که مسجدالاقصی در آسمان است!! و مسجد قدس آن نیست که نزد مسلمانان معروف و مشهوراست!! و کلمه اقصی بیانگر این است که آن مسجد، مسجدی آسمانی است، و مسجدالاقصی یعنی مسجدبالا!!.

آری آن‌ها گم شده خود را در روایات و اقوال و اخباری یافته‏اند که درکتاب‌های شیعه ذکر شده و مقرر می‌نمایند که، مسجدالاقصی در آسمان است و آن مسجدی که در قدس است تنها نامش مشابه نام آن است!!.

اینک بعضی از نوشته‏های آن‌ها که تصریح دارند بر اینکه مسجدالاقصی در آسمان است:

ماده قدس از دیدگاه بوهل

در (دائرة المعارف اسلامی) encyclopacdia of islam)) نوشته یک مرد یهودی به نام (بوهل)Buhl f[[53]](#footnote-53) در ترجمه و معنای کلمه al –kuds چنین آمده است:

چه بسا پیامبرخداص نیز مسجدالاقصی را در آسمان دانسته باشد!!.

پس از آن ترجیح می‌دهد که: «شایدپیامبرخداحضرت محمدص هم از همان ابتدا می‏دانست که مسجدالاقصایی که در آیه کریمه ذکرشده است، مکانی است در آسمان، نه آن مسجدی که بعدها درشهر بیت‏المقدس ساخته شد[[54]](#footnote-54).»

إسحق حسون

اسحق حسون محقق یهودی و عضو انجمن تحقیات آسیا و آفریقا در دانشگاه عبریه، در مقدمه تحقیقاتش بر کتاب فضائل بیت المقدس، نوشته: ابی بکرمحمد بن احمد واسطی، می‌گوید: معروف و مشهور است که گروه‌هایی از شیعه هیچ جایگاه و ارزشی برای بیت‏المقدس قائل نیستند و آن را بر سایر مساجد برتر نمی‌دانند[[55]](#footnote-55).

و برای اثبات ادعای خود به مجموعه احادیثی استدلال می‌کند که در کتاب «بحار الأنوار مجلسی» و «ینابیع المودة»، نوشته قندوزی آمده‏اند و درنوشته‏ای که ضمیمه کتاب آقای حسون است چنین آمده است: علمایان اسلامی اتفاق نظر ندارند بر اینکه مسجدالاقصی همان مسجد قدس است، زیرا بعضی از آن‌ها می‌گویند که آن، مسجدی است در آسمان که دقیق روی قدس یا مکه قرار دارد[[56]](#footnote-56).

و بدین ترتیب می‌خواهد میان قدس آسمانی و قدس زمینی فرق و تفاوت بیاندازند!!.

حوا لاتسروس یافه

(حوا لاتسروس یافه)[[57]](#footnote-57) مطلبی نوشته که در آن تأکید نموده که بااندک تأملی درآیه اول سوره اسراء، روشن می‌شود که مسجدی که درآن ذکر شده، مسجدی است بسیار دور و آسمانی!! و هرگز منظور، از آن مسجدی نیست که در زمان امویهادر قدس بنا نهاده شد!!.

لاتسروس نظریه خود را با مقاله‏ای تقویت و استحکام می‌بخشد که «جوزیف هوروفیتش» آن را در همین موضوع نوشته است و در آن تأکید نموده که مسجد مورد اشاره آیه اول سوره اسراء، مسجدی است که درقدس (آسمان بالا) واقع است، و می‏گوید: «ما باید اقوال مفسرین قدیم را درک کنیم زیرا آن‌ها اجماع و اتفاق رأی دارند بر اینکه معنی مسجدالاقصی، بیت‏المقدس است، پس بنابر این رأی، منظور آن‌ها از مسجدالاقصی، قدس بالا و آسمانی بوده اما کلمات و اصطلاحات به مرور زمان دچار اختلاط و دگرگونی و تغیر و تبدیل شده‏اند و از این کلمات چنین تفسیر و برداشت شده که منظور از مسجدالاقصی همان مسجدی است که هم اکنون در قدس موجود است»[[58]](#footnote-58).

یهود الیطانی

نویسنده مشهور «یهود الیطانی»[[59]](#footnote-59) مقاله‏ای را در (یدیعوت أحرونوت) تحت عنوان (معرکة ذهنیة حول مسجدالاقصی) (جنگ فکری در مورد مسجد الاقصی)، نوشته، و در آن شک نموده که مسجد الاقصای مورد اجماع مسلمانان، همان مسجدی باشد که در قدس واقع است، و این نویسنده می‏افزاید: حقیقت این است که درتفسیرهای اسلامی از مسجدالاقصی چنان بر می‏آید که آن مسجد، در مناطق دیگری، از جمله نزدیکی‌های مدینه منوره واقع باشد!![[60]](#footnote-60).

کستر **(kester M.J.)**

و همچنین (کستر)[[61]](#footnote-61) چنین نوشته است: میان مسلمانان جدل ومناقشۀ شدیدی راجع به افضلیت مسجد الاقصی وجود دارد[[62]](#footnote-62).

و برای ایجاد شک و تردید نسبت به جایگاه قدس در میان مسلمانان با تعدادی از احادیث که روایتشان به شیعه‏ نسبت داده می‌شود، استمداد نموده است[[63]](#footnote-63).

این‌ها قطره‏ای از دریای نوشته‏هایی است که به قلم یهودی‌ها جهت ایجاد شک و تردید نسبت به برتری و افضلیت بیت‏المقدس و مسجدالاقصی و اهتمام مسلمانان به آنها، و نیز جایگاه آن‌ها در شریعت اسلامی، به رشته تحریر در آمده، و به همین منظور آن‌ها تأکید دارند که مسجدالاقصی در آسمان است!![[64]](#footnote-64).

مسجدالاقصی در نوشته‌های مستشرقین؟!!

خاور شناسان مجموعه قضایائی را نقل و روایت نموده‏اند که به قدس و مسجدالاقصی و جایگاه آن‌ها نزد مسلمانان ارتباط دارد و هدفشان از نقل و روایت این مسایل، استدلال نمودن بدان‌هاست مبنی بر اینکه شهر قدس جایگاه خاصی را در اسلام نداشته و از لحاظ استراتژی و اداری دارای اهمیت خاصی نبوده است!! که ما به ذکر مشهورترین آقوال و نظریات آن‌ها در این زمینه می‌پردازیم:

جولد تسیهر

«جولد تسیهر» متولد1850م و متوفای1920م خاورشناس مجارستانی– که در اصل یهودی است و به عنوان مهمترین و اساسی‏ترین مرجع برای بسیاری از یهودیهایی که به تحقیق و نوشتن در مورد قدس و مسجدالاقصی پرداخته‏اند، محسوب می‏گردد و تألیفاتش نیز به عنوان اصلی‌ترین مرجع برای خاورشناسان غربی به حساب می‏آید، او نخستین کسی است که در احادیث و روایاتی که در خصوص فضیلت بیت‏المقدس و مبارک بودن آنجا، وارد شده‏ است، شک و تردید ایجاد نموده، و او می‌گوید که «عبد الملک بن مروان» در ایام فتنه و آشوب ابن زبیر، مردم را از حج منع نموده، و او قبة الصخرة را روی مسجدالاقصی بنا نموده تا مردم برای زیارت بدانجا بروند و به جای کعبه، آن را طواف کنند!!.

و همچنین به گمان او، عبدالملک می‏خواسته که مردم را برای حج و زیارت آن وادار نموده و این کار را از روی اعتقاد دینی انجام داده است و برای این کار زهری[[65]](#footnote-65) را بهترین گزینه دانسته تا احادیثی - مانند حدیث لاتشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد- را برایش جعل کند زیرا زهری آوازه و شهرت مهمی را در میان امت اسلامی داشته است و به گمان او احادیثی که در رابطه با فضایل بیت‏المقدس هستند تنها از طریق زهری روایت شده‏اند!![[66]](#footnote-66).

ریجیس بلاشیر

خاورشناس فرانسوی «ریجیس بلاشیر»[[67]](#footnote-67) در کتابش به نام: ترجمةالفاظ قرآن به زبان فرانسوی در مورد آیه:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

تسبیح و تقدیس خدائی را سزاست که بنده خود (محمّد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).‏

نوشته است: در واقع مسلمانان عصر پیامبرص یعنی اصحاب کرام می‏دانستند که منظور از مسجدالاقصی، مسجدی است در آسمان و إسراء هم یعنی صعود و بالا رفتن در آسمان، اما در عصر اموی‌ها تلاش‌هایی صورت گرفت تا مکه مکرمه را پایتخت اسلام قرار دهند و در نتیجه مسجدالاقصی را مسجد آسمانی ندانند، اما آنجا به شهری در دولت یهودی‌ها قرار گرفت[[68]](#footnote-68).

ما خوب می‌دانیم که یهودی‌ها و مستشرقین این سخنان را از کجا آورده‏اند! و مصادر و منابعی که مورد اعتمادشان است و آن‌ها بدان استدلال می‏کنند مبنی بر اینکه مسجدالاقصی، مسجدی است در آسمان و جایگاهش مورد تردید است را از کجا آورده‏اند؟!

خلاصه

یهودی‌ها برای تأیید اقوال و سخنان خود تمام سند و اقوالی که شیعه‏ها برای مخالفت با خلفای بنی‏امیه، و دادن ارزش و جایگاه به مقدسات خود و ترجیح و برتری دادن آن بر جایگاه مسجدالاقصی، از آن استفاده نموده‏اند، مورد بهره برداری قرار داده‏اند.

بدین سبب یهودی‌ها این اتهام و دروغ و افترا را در راستای قطع رابطه فلسطین با مسجدالاقصی مورد بهره گیری قرار داده، تا بگویندکه قدس هیچگونه جایگاه و ارزش اسلامی ندارد و اصلا رابطه‏ای بین اسلام و قدس وجود ندارد و مسجدالاقصایی در قدس قرار ندارد بلکه آن مسجد در آسمان است[[69]](#footnote-69).

ارزش و جایگاه مسجدالاقصی نزد مسلمانان

پس از ذکر شبهات همۀ آن‌هایی که نسبت به جایگاه مسجدالاقصی شک و تردید داشتند، شایسته است که به بیان و توضیح جایگاه آن نزد اهل سنت و جماعت بپردازیم که در نتیجه سستی و بی‌پایگی ادعاهای باطل و بی‌ارزش آن‌ها ثابت و محرز خواهد شد.

خداوند می‌فرماید:

﴿بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ وَلَكُمُ ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ١٨﴾ [الأنبياء: 18].

 بلکه (ما چنین نمی‌خواهیم و) حق را به جان باطل می‌اندازیم، و حق مغز سر باطل را از هم می‌پاشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می‌شود. وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می‌کنید (از بی‌هدفی جهان، و از افترائی که بر خدا و فرستاده یزدان می‌بندید)‏.

بدون شک مسجدالاقصی و بیت‏المقدس دارای فضایل و برکات فراوانی هستند که در قرآن و سنت پیامبرص ذکر شده است، و هیچ کسی در آن شک و تردید ندارد مگر کسی که قلبش پر از حقد و کینه است، و مایقین داریم که بیشتر مردم نیازی به یادآوری جایگاه و ارزش مسجدالاقصی و سرزمین پاک و مبارک آن ندارد. زیرا اقوال و سخنان آن‌هایی که شک و تردید را در این زمینه ایجاد می‏کنند از خانه عنکبوت سست تراند. اما با وجود آن، مناسب می‌دانیم که خیلی مختصر واقعیت‌هایی را در این رابطه متذکر شویم. و قرآن بهترین اندرز به ما می‌دهد آنجا که خبر می‏دهد که نابخردان معترض و روی گردان می‏شوند وقتی که مسلمانان تغییر قبله می‏دهند و از بیت‏المقدس روی گردان و به مسجدالحرام روی می‌کنند، و این حقیقت را به پیامبرش یاد داد پیش از آنکه به او دستور تغییر قبله بدهد آنجا که می‌فرماید:

﴿۞سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ١٤٢﴾ [البقرة: 142].

‏نابخردان مردم خواهند گفت: چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خدا است. هرکه را بخواهد به راه راست رهبری می‌نماید.

خداوند در این آیه کسانی که چنین سخنانی را می‏گویند به نابخرد وسفیه توصیف می‌نماید زیرا از حکم خدا و شریعت او روی گردان و معترض شده‏اند، و قول خداوند که می‌فرماید ﴿ٱلسُّفَهَآءُ﴾ کافی است برای رد و بی‌ارزشی سخن آنها، اما با وجود آن، خداوند این شبهه را ترک نکرده بلکه آن را برطرف نموده و حقیقت را برای آن‌هایی که به چنین اعتراضی مواجه می‌شوند کشف و برملا می‌سازد و می‏فرماید: ﴿قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ﴾ یعنی: ای محمد! آن‌ها را جواب ده و بگو: مشرق و مغرب و تمام جهات ملک خدا و از آن خداأ است.

اصول و مبادی ما در مورد جایگاه مسجدالاقصی

برای اینکه اهداف و موضعگیری ما در برابر جایگاه مسجدالاقصی برای مردم و همچنین برای کسانی که شک و شبهه ایجاد می‌کنند، واضح و روشن باشد، اسناد و مدارک خود را در مورد جایگاه و ارزش مسجدالاقصی و سرزمین صاف و پاک اسری را به تفصیل نقل می‌کنیم تا خطوط و نقشه‏ها روشن و حقایق و واقعیت‌ها آشکار و واضح گردند.و اینک بیان آن‌ها:

مسجدالاقصی و سرزمین مقدس نامشان در آیات متعددی در کتاب خدا ذکر شده است و تمام مفسرین بر فضیلت و برتری مسجدالاقصی اتفاق نظر دارند. و برای اثبات قول خود تنها به آیه اول سوره اسراء که در رابطه با جایگاه قدس و مسجدالاقصی است، اکتفا ننموده‏اند بلکه علاوه برآن- که هیچگونه اختلافی در آن نیست، آیات دیگری را نیز جمع نموده و بدان‌ها استدلال می‌نمایند:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

 تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمّد پسر عبدالّله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم).بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

* ﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا لِلۡعَٰلَمِينَ٧١﴾ [الأنبياء: 71].

و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسیل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پر خیر و برکتش برای جهانیان کرده‌ایم.

* ﴿وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةٗ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦٓ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيۡءٍ عَٰلِمِينَ٨١﴾ [الأنبياء: 81].

‏ ما باد تند و سریع را فرمانبردار سلیمان کرده بودیم تا به فرمان او به سوی سرزمینی حرکت کند که پرخیر و برکتش ساخته بودیم. و (این، جای شگفت نیست، چرا که) ما بر هر چیزی آگاه و دانا بوده (و هستیم).

* ﴿وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ١٨﴾ [سبأ: 18].

‏ میان آنان و شهرهای دیگری که پر برکت و نعمت کرده بودیم، شهرک‌ها و روستاهائی ساخته و پرداخته بودیم که (از یکی، دیگری) نمایان بود، و در میان آن‌ها فاصله‌های مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بودیم (به گونه‌ای که امنیت برقرار بود و نیازی هم به حمل آب و توشه سفر دیده نمی‌شد. توسّط انبیاء بدیشان پیام دادیم که) شب‌ها و روزها در امن و امان در آنجاها سیر و سفر کنند (و از حق منحرف نشوند و به یاد الطاف خدا باشند و پرستش او را فراموش ننمایند).

* ﴿وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ١ وَطُورِ سِينِينَ٢ وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ٣﴾ [التين: 1-3].

«سوگند به انجیر و زیتون! ‏‏وسوگند به طور سینین!‏ و سوگند به این شهر امین (مکه)!».

بعضی از مفسرین می‌گویند: منظور ازتین: بلاد وسر زمین شام؛ و مقصود از زیتون: بیت المقدس است.

* ﴿وَإِذۡ قُلۡنَا ٱدۡخُلُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ فَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ رَغَدٗا وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطَٰيَٰكُمۡۚ وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ٥٨﴾ [البقرة: 58].

«‏و (به یاد آورید) آنگاه را که گفتیم: به این شهر (بزرگی که پیغمبرتان موسی برایتان نام برده است) وارد شوید و هرگونه که می‌خواهید و هرچه که لازم دارید فراوان و آسوده بخورید و از دروازه (آن شهر) با خشوع و خضوع وارد شوید و بگوئید: خدایا ! از گناهان ما درگذر، تا گناهان شما را بیامرزیم. ما به نیکوکاران (از عفو و مغفرت) فزونتر می‌بخشیم».

﴿يَٰقَوۡمِ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡأَرۡضَ ٱلۡمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِي كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَارِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ٢١﴾ [المائدة: 21].

«ای قوم من! به سرزمین مقدّسی وارد شوید که خداوند دخول بدانجا را برای شما مقدّر کرده است، و (در برابر دشمنِ سرسختی که در آنجا بسر می‌برد پای به فرار نگذارید و) پشت مکنید، تا زیانکارانه برنگردید (و یاری و خوشنودی خدا را از دست ندهید)».‏

مسجدالاقصی دومین مسجدی است که پس از مسجد الحرام، روی زمین بنا شده است.

عن أبی ذرس قال: «قلت: يا رسول ‏الله! أیّ مسجد وضع في الأرض أوّلُ؟ قال: المسجد الحرام. قلت: ثم أیّ؟ قال: المسجد الأقصی قلت: کم کان بينهما؟ قال: أربعون سنة، ثمّ أينما أدرکتك الصلاة بعد فَصَلِّه فإنّ الفضل فيه»[[70]](#footnote-70).

از ابی ذرس روایت شده است که گفت: از پیامبرخداص پرسیدم نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجدالحرام است.گفتم: پس از آن؟ فرمود: مسجدالاقصی.گفتم چقدر فاصله زمانی باهم داشتند؟ فرمود: چهل سال. سپس فرمود هرگاه وقت نماز فرا رسید آن رابخوان که فضیلت در آن است.

مسجدالاقصی و دور برش دارای برکت هستند زیرا در سرزمینی واقع شده است که خداوند آن سرزمین را پر برکت نموده است.چنان‌که می‌فرماید:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمّد پسر عبدالّله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).‏

در مورد آن گفته شده که اگر مسجد الاقصی، جز این آیه هیچ فضیلت دیگری نمی‏داشت، باز برایش کافی بود، چرا که این ایه جامع تمام برکت‌ها می‌باشد زیرا وقتی که دور وبرش مبارک باشد، مسلم است که خود آن چندین برابر مبارک و برتر است، و از برکت‌های آن، این است که بر همه مسجدها به جز مسجدالحرام و مسجد پیامبرص برتری دارد.

مسجدالاقصی نخستین قبله مسلمانان است،

«عن براء بن عازبس قال: کان رسول‏اللهص صلّی نحوَ بيتِ المقدسِ ستة عشر أو سبعة عشر شهراً، وکان رسول اللهص يُحبّ أن يوجّهَ إلی الکعبة، فأنزل الله ﴿قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ﴾ [البقرة: 144]. فتوجّه نحو الکعبة»[[71]](#footnote-71).

از برّاء بن عازب روایت شده که: پیامبرخداص حدود شانزده یا هفده ماه رو به بیت‏المقدس نماز می‏خواند، و ایشان بسیار دوست داشتند که رو به کعبه نماز بخوانند تا اینکه خداوند آیه فوق را نازل فرمود، که از آن پس رو به کعبه نمود.

تغییر قبله از بیت‏المقدس به کعبه، از جایگاه کعبه نکاست، بلکه ارزش و جایگاه آن در دل مسلمانان و در شریعت اسلام، همچنان باقی ماند.

مسجدالاقصی جایی است که اسراء پیامبرص از نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است به سوی دومین مسجد روی زمین از آنجا شروع شد، پس مسجدالاقصی از فضیلت و شرف دو مسجد برخوردار است:

«عن أنس بن مالكس، أنّ رسول‏اللهص قال: «اُتيتُ بالبراق- وهو دابة أبيض طويل فوق الحمار ودون البغل يضع حافره عند منتهی طرفه –قال: فرکبته حتی أتيت بيت المقدس –قال- فربطته بالحلقة التي يربط به الأنبياء- قال: ثم دخلت المسجد فصليت فيه رکعتين ثم خرجت فجاءنی جبريل÷ بإناء من خمرٍ وإناءٍ من لبنٍ فاخترت اللّبن فقال جبريل: اخترت الفطرة ثمّ عرج بنا الی السماء»[[72]](#footnote-72).

 از انس بن مالک روایت شده که پیامبرص فرمود: براق برایم آورده شد- براق حیوانی سفید رنگ و قدرتمندی است که از الاغ بزرگتر و از قاطر کوچک‏تراست- سوار آن شدم تا به بیت‏المقدس رسیدم، آنگاه آن را با حلقه‏ای بستم که پیامبران (حیوان سواری) خود را بدان می‌بستند، سپس داخل مسجد شدم و دو رکعت نماز در آن خواندم و بیرون رفتم، آنگاه جبرئیل پیمانه‏ای شراب و پیمانه‏ای شیر را برایم آورد که من شیر را انتخاب نمودم و جبرئیل فرمود بهترین و پاکترین را انتخاب نمودی، سپس مرا به آسمان بردند.

مسجدالاقصی: تنها جایی است روی زمین که تمام پیامبران†، از آدم تا حضرت محمدص در بزرگترین گردهمایی تاریخ در آن گرد آمده و پیامبر ما حضرت محمدص در شب اسراء و معراج برای همه پیامبران امامت و پیشنمازی نمود، تا اقرار و اثباتی بر اسلامی بودن و صبغه اسلامی داشتن آن باشد.و همچنین برای اینکه امامت و پیشوایی بر مسجدالاقصی را از آن امت محمد اعلام نماید، و نیز اعلان اینکه خاتم پیامبران حضرت محمدص وارث همه مقدسات آنها، و رسالتش شامل و دربرگیرنده تمام مقدسات آنان، و دین اسلام مورث همه ادیان گذشته می‌باشد.

و پیامبران در هیچ جای دنیا گرد نیامده‏اند جز در این مکان، پس مسجدالاقصی از برتری و جایگاه ویژه‏ای برخوردار است.

روی مسلم عن أبی هريرةس قال: قال رسول‏ اللهص: «لقد رأيتُنی في الحجر وقريشٌ تسألُنی عن مسرایَ فسألتنی عن أَشياءَ من بيت‏ المقدس لم أثبتها، فکُربت کُربة ما کربت مثلُهُ قط قال: فرفعهُ اللهُ لي أنظُرُ إليه ما يسئلوني عن شيء الا أنبأتُهُم به وقد رأيتُني في جماعة من الانبياء فإذا موسی قائمٌ يصلي فإذا رجلُ ضربٌ جعدٌ کأنّه من رجال شنوءةَ وإذا عيسی ابنُ مريم قائمٌ يصلّي أقرب الناس به شبهاً عروةُ بنُ مسعود الثَّقفیُّ وإذا إبراهيمُ قائمٌ يصلّي أشبه الناس به صاحبکم- يعنی نفسه-فحانت الصلاةُ فأممتُهُم فلما فرغتُ من الصلاة قال قائلٌ: يا محمدُ! هذا مالكٌ صاحب النّار فسلّم عليه. فالتفتُّ إليه فبدأنی بالسَّلام»[[73]](#footnote-73)**.**

امام مسلم از ابی هریرهس روایت نموده که گفت: پیامبرخداص فرمود: خود را در حِجر دیدم و قریشی‌ها در مورد مسیر إسراء و شب‏روی من، و نیز در مورد چیزهایی از بیت المقدس سؤال می‌نمودند که تا آن وقت چنین چیزهایی را نشنیده بودم، بسیار برایم ناراحت کننده و ناخوشایند بود به گونه‏ای که هرگز آن‏قدر نگران نشده بودم، خداوند مرا بلند نمود و تمام چیزهایی که از من می‌پرسیدند را دیدم و هر چیزی را که از من می‌پرسیدند آن را جواب می‌دادم، ناگهان خود را در میان گروهی از پیامبران یافتم، دیدم که موسی در انتظار نماز است او مردی خسته و مو فرفری و چین چین شده بود گوئی که از مردانِ بیزار و متنفر است. ناگاه عیسی بن مریم÷ را دیدم که ایستاده نماز می‏خواند، که عروه بن مسعود ثقفی از همه کس بیشتر به او شباهت داشت.بعد ابراهیم÷ را دیدم که او نیز ایستاده و نماز می‏خواند و شبیه‏ترین کس به او، یار و صاحب شما- یعنی خود حضرت محمد- بود، وقت نماز فرا رسید و من برایشان امامت نمودم، وقتی که از نماز فارغ شدم کسی ندا داد، ای محمد! این شخص مالک (نگهبان) آتش دوزخ است بر او سلام کن، پس به سوی او توجه والتفات نمودم اما او از من پیشی گرفت وسلام کرد

مسجدالاقصی: جایی است که پیامبرص آن را ستوده و بر فضیلت و شأن آن گواهی داده و خبر داده که دل‌های مسلمانان بدان متعلق است زیرا او دارای رتبه‏ای است که مسلمان دوست دارد جای کوچکی را داشته باشد و از آن به مسجدالاقصی بنگرد و آن را ببیند و این مکان از نظر او دوست داشتنی‏تر است از همه دنیا و آنچه در آن است.

عن أبی ذرس قال:«تذاکرنا عند رسول‏اللهص أيّهما افضل: أمسجد رسول‏ الله أم بيت‏المقدس؟ فقال رسول الله: صلاة في مسجدي أفضل من أربع صلوات فيه، ولنعم المصلي هو، وليوشکن أن يکون للرجل مثل شطن فرسه من الأرض حيث يري منه بيت المقدس خير له من الدنيا جميعاً. أو قال: خير من الدنيا وما فيها»[[74]](#footnote-74)**.**

از ابی ذر÷ روایت است که گفت: پیش پیامبر خداص در مورد مسجد پیامبر و مسجدالاقصی بحث و گفتگو می‌کردیم که کدام یک از آن‌ها بزرگتر است، مسجد پیامبر یا بیت المقدس؟ پیامبرص فرمود: یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آنجا (بیت‏المقدس)بهترین نماز خانه است چیزی نمانده یک نفر آن قدر به بیت‏المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتراست از تمام دنیا. –و در روایت دیگر- بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

مسجدالاقصی جایی است که پیامبرخداص مژده فتحش را پیش از آنکه فتح شود، داده بود. و آن مژده از جانب پیامبرص از نشانه‏های نبوت می‌باشد.

عن عوف بن مالك، قال: أتيت النبيّ ص في غزوة تبوك، وهو في قبةٍ من اَدمٍ فقال: «اعدد ستاً بين يدي الساعة؛-ذکر منها- ثم فتح بيت المقدس...»[[75]](#footnote-75).

از عوف بن مالک روایت شده که گفت: در غزوه تبوک پیش پیامبر خداص رفتم در حالی که ایشان در گنبدی چرمی نشسته بودند فرمود: شش چیز را از نشانه‏های قیامت می‌باشند؛ آن‌ها را ذکر نمود و یکی از آن‌ها فتح مکه بود.

مسجدالاقصی سنگر گروه پیروز و تهِ خانه مؤمنان است.

«عن عمرانَ بنِ حصينٍ، قال: قال رسول‏اللهص: «لا تزال طائفة من أُمّتي يقاتلون علی الحق ظاهرين علی من ناوَأَهم حتی يُقاتل آخرُهُم المسيح َ الدجّالَ»[[76]](#footnote-76).

همواره گروهی از امت من جهاد و در برابر دشمنان پایداری و ایستادگی می‏کنند و در راستای آشکار نمودن و حمایت از آرمان‌های دین مبارزه می‏کنند تا آخرین نفر از آن‌ها مسیح دجّال را می‌کُشد.

و معلوم و مشخص است که عیسی بن مریم، مسیح دجال را در باب لد در فلسطین می‏یابد و آن را به قتل می‌رساند.

مسجدالاقصی: و بیت‏المقدس سرزمینی هستند که بندگان در آنجا حشر و نشر می‏گردند.از میمونة بنت سعد کنیز پیامبرص روایت است که از پیامبرخداص پرسید: ای پیامبر! در مورد بیت‏المقدس برایمان صحبت کن. پیامبرص فرمود: «أرض المحشر والمنشر»[[77]](#footnote-77) یعنی آنجا سرزمین حشر و گردهمایی خلایق است.

مسجدالاقصی پناهگاه و سنگر مؤمنان در برابر دجال است و دجال وارد آن نمی‏شود.

قال رسول‏اللهص عن الدجال: «...علامته يمکث في الأرض أربعين صباحاً يبلغ سلطانه کلَّ منهل، لا يأتی أربعة مساجدَ: الکعبة ومسجدالرسول والمسجدالاقصی والطور...»[[78]](#footnote-78)**.**

 پیامبرص در مورد دجال فرمود: نشانه آن این است که چهل صباحی (چهل روز) در زمین می‌ماند که سلطه وقدرتش همه آبشخور وچشمه‌ها را فرا می‌گیرد جز چهار مسجد که دجال نمی‌تواند داخل آن‌ها شود کعبه، ومسجد پیامبرص، ومسجدالاقصی، وطور مسجدالاقصی جایی است که بارسفر برای زیارت آن بر بسته می‌شود وعلما اتفاق دارند بر اینکه زیارت بیت المقدس و خواندن نماز در آن سنت است. و درست نیست که برای زیارت سفر نمود جز سه مسجد که مسجد الاقصی یکی از آن‌ها است. و آن سه مسجد فضل و برتری را بر دیگر مساجد دارند، در صحیحین ازابو هریرهس روایت شده که پیامبر خداص فرمود:

«لا تُشدُّ الرحال إلّا إلی ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجدالرسولص، ومسجد الأقصی»[[79]](#footnote-79).

بار سفر بربسته نمی‏شود جز برای زیارت سه مسجد.مسجدالحرام، مسجد پیامبرص و مسجدالاقصی.

به همین جهت بسیاری از اصحاب برای نماز در مسجدالاقصی بدانجا سفر نموده‏اند، و پس از آن‌ها نیز سلف صالح و گذشتگان خداجو ن آن‌هایی که مسجدالاقصی را با حلقه‏های علم و طالبان آن، آباد نموده‏اند.

نووی/ می‏گوید: این حدیث بیانگر عظمت و شکوه و فضیلت این سه مسجد و امتیاز و برتری آن‌ها بر دیگر مساجد است زیرا آن‌ها مساجد پیامبران† بوده‏اند. و نماز در آن‌ها ثواب بیشتری دارد و سفر برای زیارت آن‌ها فضیلت دارد. و نزد جمهور علما سفر به سوی غیر این مساجد فضیلت و اهمیت ندارد، و شیخ ابومحمد جوینی از یاران ما، می‌گوید: سفر برای زیارت هر جایی جز این سه مسجد حرام است[[80]](#footnote-80).

و حافظ می‏گوید: این حدیث بیانگر فضیلت این سه مسجد و مزیت آن‌ها بر سایر مسجدها می‏باشد زیرا این سه مسجد، مسجد پیامبران بوده‏اند زیرا مسجداول (مسجدالحرام) نخستین قبله مردم و محل حج مسلمانان بوده است. و مسجددوم (مسجد النبی) قبله امتهای پیشین بوده است و سومی (مسجدالاقصی) بر تقوی بنا نهاده شده است[[81]](#footnote-81).

و از شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد حکم زیارت بیت‏المقدس و نماز در آن، سؤال شد. ایشان فرمودند: در صحیحین آمده که پیامبر خداص فرمود: بار سفر بربسته نمی‌شود جز برای زیارت سه مسجد..... این حدیث در صحیحین از ابی سعید و ابی هریره و از کسان دیگری نیز روایت شده است. و درجه این حدیث، مستفیض و مورد قبول و تصدیق است. و اهل علم برصحت و مقبولیت آن اجماع و اتفاق دارند و همه علما، سفر به بیت المقدس و ادای عبادات مشروع در آنجا را سنت دانسته‏اند، و ابن عمر (عبدالله بن عمر) بدانجا می‏رفت و در آن نماز می‏خواند[[82]](#footnote-82).

مسجد الاقصی: ثواب نماز در آن چندین برابر جاهای دیگر است. از ابو ذرس روایت است که گفت: نزد پیامبر خداص بودیم و در مورد مسجد پیامبر و بیت‏المقدس بحث می‌کردیم که کدام یک از آن‌ها برتراست؟ پیامبرخداص فرمود:

«صلاة في مسجدي أفضل من أربع صلوات فيه، ولنعم المصلي هو، وليوشکن أن يکون للرجل مثل شطن فرسه من الأرض حيث يري منه بيت المقدس خير له من الدنيا جميعاً. أو قال خير من الدنيا وما فيها»[[83]](#footnote-83).

یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آنجا (بیت‏المقدس) بهترین نماز خانه است چیزی نمانده یک نفر آن قدر به بیت المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتر است از تمام دنیا. – و در روایت دیگر- بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

مسجدالاقصی: نماز در آن دارای فضیلت بزرگی است. نسائی از عبدالله بن عمرو بن عاص از پیامبرخداص روایت نموده که فرمود: وقتی که سلیمان از بنای بیت‏المقدس فارغ شد سه چیز را از خدا درخواست نمود: قدرت و حکمی که بر اساس حکم خدا باشد، سلطه و قدرتی که پس از او به کسی داده نشده باشد، و اینکه هرکس داخل این مسجد شود تنها به قصدخواندن نماز در آن، از گناهانش پاک شود همچون روزی که از مادرش متولد شده است.پیامبرص فرمود: «أما اثنتان فقد أعطيهما، وأرجو أن يکون أعطی الثالثة»[[84]](#footnote-84)دو تای اولیش به من داده شده اما ازخدا می‌خواهم که سومی را نیز به من بدهد.

مسجدالاقصی: و قدس و فلسطین از روز ازل، پاک و مقدس بوده‏اند. خداوند می‌فرماید:

﴿يَٰقَوۡمِ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡأَرۡضَ ٱلۡمُقَدَّسَةَ﴾ [المائدة: 21].

ای قوم من! به سرزمین مقدّسی وارد شوید که. ..... و این آیه خطاب موسی÷ به قومش بود، قبل از اقامت بنی اسرائیل در فلسطین، و پیش از انبیاء بنی اسرائیل، آن‌های که یهود فکر می‌کرد که وارث آن‌ها است. و خداوند در مورد ابراهیم و لوط می‌فرماید:

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا لِلۡعَٰلَمِينَ٧١﴾ [الأنبياء: 71].

«و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسیل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پرخیر و برکتش برای جهانیان کرده‌ایم».

و آن برکت قبل از ابراهیم÷ نیز در آنجا وجود داشت. به همین جهت یبوسی‌ها[[85]](#footnote-85) در کنار و حوالی آن سکونت گزیدند نه در داخل آن زیرا داخل آنجا محل عبادت بود نه سکونت.

مسجدالاقصی: تعداد زیادی از اصحابن داخل آن شدند. و از مناطق دور به قصد زیارت یا سکونت و یا وعظ و ارشاد بدانجا سفر نموده‏اند از جمله ابو عبیده بن جراح، که در فتح شام فرمانده لشکر بود، و بلال بن رباح، که در فتح بیت‏المقدس همراه لشکر عمر بن خطابس بود و در مسجدالاقصی اذان داد، و معاذ بن جبل، که ابو عبیده پس از فوت خود او را به جانشینی منصوب نمود، و خالد بن ولید، شمشیر از غلاف کشیده خدامه در فتح بیت المقدس حضور داشت، و عبادة بن صامت نخستین کسی که به امر قضاوت در فلسطین منصوب شد و در آنجا سکونت گزید و در همان جا دفن گردید، تمیم بن اوس داری، عبدالله بن سلام که وارد بیت‏المقدس شد و در فتح آن نیز حضور داشت از کسانی است که مژده بهشت به او داده شده، و همچنین تعداد زیاد دیگری از اصحاب که بدانجا سفر نموده‏اند[[86]](#footnote-86).

مسجدالاقصی: خاکش از هر سرزمینی که مسلمانان آن را فتح نموده‏اند جدا و متمایز است زیرا آنجا تنها شهری است که خلیفة راشد عمر بن خطابس شخصا برای فتح و تحویل گرفتن کلیدهایش از مدینه خارج شده و در محوطه مسجد‏الاقصی پس از آنکه خداوند فتح بیت‏المقدس را برای مسلمانان آسان نمود، مصلایی را- در سال15هـ- بنا کرد، و زمین‌های پر برکتش را وقف نمود تا امانتی باشد در گردن امت تا روز قیامت.

مسجدالاقصی: جایی است که اتباع و پیروان محمدص جان خود را جهت طرد و دور انداختن رومی‌ها و صلیبی‌ها در آن نثار نمودند و نه بار حمله صلیبیها بدانجا را با فرماندهی نورالدین محمود زنکی، و صلاح الدین ایوبی و دیگر حاکمان مسلمان و فرماندهانی که فرماندهی مجاهدین را به عهده داشتند، خنثی نمودند تا اینکه پس از 91 سال غصب و اشغال بیت‏المقدس، آن را از چنگال غاصبین آزاد نمودند، زیرا ارزش و جایگاه اقصی و قدس در دل‌ها بسیار بزرگ است، و آنجا سرزمین پاک و مبارک مسلمانان است، و این از اعتقادات ما است، و هرگز دشمن نخواهد توانست محبت آن را در دل‌ها برکند هراندازه تلاش کند و به دروغ پردازی و شایعه پراکنی بپردازد.

مسجدالاقصی: همواره محل و جای اهتمام علمای اسلامی بوده، و آنچه که علمایان اسلامی در قرون اول و قرنهای بعدی در زمینه فضائل مسجدالاقصی نوشته‏اند، بر جایگاه و اهمیت آنجا دلالت دارد، که این نوشته‏ها هنوز هم مورد تحقیق و تدریس هستند بگونه‏ای که هیچ شهر دیگری تا این اندازه رنگ و رو و صبغة و وجهه جهانی نداشته است، اهتمام و توجه سلف صالح و علمای اعلام به مسجدالاقصی و سرزمین مبارک واضح و آشکار است، و کثرت تألیفات و نوشته‏هایی که در زمینه فضائل قدس و بیت‏المقدس، و مسجدالاقصی نوشته‏اند و همچنین تشویق و ترهیب‌هایی که برای زیارت آنجا نموده‏اند دال بر این واقعیت است.

ما هر اندازه در مورد فضایل مسجدالاقصی بحث کنیم نخواهیم توانست حق مطلب را ادا کنیم و آنگونه که خداوند آن را تعریف نموده است، آن را بستاییم چنان‌که می‏فرماید:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١﴾ [الإسراء: 1].

‏ تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمّد پسر عبدالّله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

اگر مسجدالاقصی هیچ فضیلتی نمی‌داشت جز این آیه که در شأن آن نازل شده است برای بیان فضیلت و ارزشش کافی بود زیرا وقتی که حوالی و دور و برش مبارک باشد مسلم است که خود آنجا از فضیلت و برکات بیشتری برخوردار است.و یکی از فضایلش این است که بر سایر مساجد به جز مسجد پیامبرص و مسجدالحرام، برتری داده شده است.

و در پایان می‌پرسیم

چگونه مسجدالاقصی در آسمان است در حالی که پیامبرص مژده فتح آن را داده است، و فضیلت آن را باجمله «ولنعم المصلي هو»- بهترین جای نماز آنجا است- بیان می‌دارد؟!!.

چگونه درآسمان است!! در حالی که خداوند دور و بر آن را پر برکت نموده است، و لفظ برکت را هفت بار در قرآن برای سرزمین فلسطین یعنی سرزمین بیت‏المقدس به کار برده است، و آیا همه آسمان مبارک نیست؟!!

چگونه در آسمان است!! و حال آنکه پیامبرص در جواب اصحاب، آنگاه که در مورد فضیلت و برتری مسجد پیامبر و بیت‏المقدس سؤال نمودند، فرمود: «صلاة في مسجدي هذا بأربع صلوات فیه»یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در آن ثواب دارد؟!!

چگونه در آسمان است در حالی که نماز در آن اجر و ثوابش برای مسلمانان چندین برابر است، و به همین جهت، اصحاب کرام برای زیارت و ادای نماز در آن بار سفر بربسته و فرسنگ‌ها راه را طی نموده تا به آن اجر و ثواب نائل شوند! مگر نه این است که آن جا مقام و محل نسل پیروز و قعر خانه ایمان داران، و سرزمین حشر و نشر است؟!!

چگونه در آسمان است!! و حال آنکه دژ و قلعه پیامبران و محل دعوت مردم به سوی توحید و یکتاپرستی بوده است؟!! و پیامبر عظیم‏الشأن ما حضرت محمدص به سوی آن به اسراء برده شد و از آنجا به بلندای آسمان سفر نمود! و همچنین پیامبر راستگو و امین به ما خبرداده که: «إنّ الدجّال لن یدخله وفیه یتحصن المؤمنون». - دجال داخل آن نمی‌شود و مؤمنان در آنجا خود را پناه می‌دهند؟!!

چگونه درآسمان است؟!! در حالی که درحدیث ثابت و قطعی شده که آنجا نخستین مسجدی است که پس از مسجدالحرام، در روی زمین بنا شده؟ چنان‌که ابوذرس می‏فرماید:«قلت: يا رسول‏الله! أیّ مسجد وضع فی الأرض أوّلُ؟ قال: المسجد الحرام. قال: قلت: ثمّ أيّ؟ قال: المسجد الأقصی قلت: کم کان بينهما؟ قال: أربعون سنة ثمّ أينما أدرکتك الصلاة بعد فصلِّه، فإنّ الفضل فيه»[[87]](#footnote-87).

 از پیامبر خداص پرسیدم نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است، کدام مسجد است؟ فرمود: مسجدالحرام است.گفتم: پس از آن؟ فرمود: مسجدالاقصی. گفتم چقدر فاصله زمانی باهم دارند؟ فرمود: چهل سال. سپس فرمود درهرجاوقت نماز فرا رسید در همان جا آن را بخوان که فضیلت در آن است.

چگونه در آسمان است در حالی که حدیث «لاتشدّ الرحال إلا إلی. ...» که در مورد آن است، حدیثی است متواتر، که گروهی از اصحاب آن را روایت نموده و سپس گروهی دیگر (تابعین) که مورد ثقه و اعتماد هستند از آن‌ها روایت نموده، و به همین ترتیب تمام امت آن را قبول داشته و سلف صالح و ذریه و اتباع آن‌ها تا به امروز بدان عمل نموده‏اند؟!!

و هیچ‌یک از مسلمانان در اینکه مسجدالاقصی همان مسجد قدس است، و پیامبرص به سوی آن به اسراء برده شد، شک و تردید نداشته‏اند.

چگونه در آسمان است در حالی که در روایات مستند و صحیح نیامده و برای ما نقل نشده که تنها یکی از اصحابس چنین تصور کرده باشد که مسجدالاقصی، مسجدی باشد در آسمان بلکه آن همان مسجدی است که پیامبرص برای آن‌ها توصیف نموده و کسانی که آنجا را زیارت کرده‏اند، او را تصدیق نموده‏اند و خداوند در باره پیامبرش می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ٤﴾ [النجم: 3-4].

«و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید.‏‏ آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می‌گردد».

چگونه در آسمان است در حالی که به تواتر رسیده و نسل پس از نسل این امت مسجدالاقصی را همان مسجد قدس دانسته‏اند و اصلا تصور نمی‌شود که کسی خلاف آن را ادعا کند!!.

بنا بر این به دانشمندان و محققین یهودی و گذشتگانشان از مستشرقین و همچنین کسانی که همچون آن‌ها فکر می‏کنند، مانند شیعه‌های رافضی؛ می‌گوییم: هیچکدام از اصحاب و تابعین و تابع تابعین و علمای امت اسلامی قایل به چنین سخنی نبوده، و آنچه را که ازآیات و روایات و احادیث فهم و استنباط نموده‏اند، این است که مسجدالاقصی همان مسجد بیت‏المقدس است و همه امت، اعم از پیشوایان و اصحاب و تابعین و محدثین و فقها و دانشمندان در طول چهارده قرن، مسجدالاقصی را همان مسجد بیت‏المقدس دانسته و هیچکدام از آن‌ها آن را انکار ننموده‏اند، با این وصف آن‌ها گمان می‌کنند که مسجدالاقصی مسجدی است در آسمان!!.

بدان‌ها می‏گوییم! هر اندازه در صدد توطئه باشید و سم پاشی نمایید موفق نخواهید شد. زیرا دل‌های اصحاب پیامبرص پیش از فتح شام مشتاق و آرزومند فتح بیت‏المقدس بودند؛ و آن‌ها خوب می‏دانستند که سرزمین پر برکت و مبارکی که در قرآن ذکر شده، همان سرزمین قدس و فلسطین است.

و خدا را سپاس گذاریم که ما نیستیم آنجا را بیت‏المقدس نام نهاده باشیم بلکه خدایی آنجا را نام گذاری نموده که شنوا و بینا است.و ما نیستیم که ادعا کرده باشیم که پیامبرص از مسجدالحرام به سوی مسجد‏الاقصی أسراء نموده است بلکه این واقعیتی است آشکار و حقیقتی است واضح که نص صریح کلام خداأ و سنت متواتر پیامبر عظیم الشأنص بر آن دلالت دارند.

گفتار پایانی

ما هیچگونه شک و تردیدی نداریم که همه مسلمانان بر جایگاه و ارزش مسجدالاقصی اتفاق و اجماع دارند و برتری آن واقعیتی است که هیچگونه باطلی در آن راه ندارد، و مسجدالاقصایی که در قرآن ذکر شده است عین همان مسجدی است که در بیت‏المقدس قرار دارد؛ اما شیعه‏ها آن‏گونه به مسجدالاقصی نمی‌نگرند که سنی‌ها به آن می‌نگرند و از نظر آن‌ها بیت‏المقدس از چنان جایگاهی برخوردار نیست که اهل سنت برایش قائل‏اند, زیرا بعضی از آن‌ها معقول نمی‌دانندکه مسجدالاقصی و قدس دارای جایگاه و ارزشی باشد در حالی که عمرفاروقس آن را فتح نموده و اموی‌ها تجدید بنایش نموده‏اند و صلاح‏الدین ایوبی آن را از چنگال دشمنان آزاد نموده و زخم دل صلیبی‌های کینه‏توز را عمیق‌تر و شدیدتر نموده است و آن‌ها را در بلاد مسلمانان اخراج نموده است.

اقوال و دیدگاه شیعه در مورد مسجدالاقصی به سه دسته تقسیم می‌شود:

دیدگاه اول

این دسته فکر می‏کنند که مسجد قدس، مسجدالاقصی نیست، و منظور از مسجدی که آیه اول سوره اسراء به آن اشاره دارد، بیت المعمور است که در آسمان چهارم قرار دارد و پیامبرص به آنجا به اسراء برده شده.

آن‌ها مسجدالاقصای فلسطین را جزو سه مسجدی که زیارتی هستند و سفر برای زیارت آن‌ها مستحب است، به حساب نمی‌آورند، و می‏گویند که بنای آن تازه و در عهد اموی‌ها صورت گرفته و اموی‌ها قداست آن را شایع نموده و مردم را برای حج و زیارت آن دستور داده‏اند و احادیثی را برای ترغیب مردم جهت زیارت آن، وضع نمودند!! و اهمیت دادن سیاست مداران شیعه به مسجدالاقصی از لحاظ سیاسی است نه عقیدتی و تعبدی.

دیدگاه دوم

به اعتقاد این گروه، اگرچه در مراجع و تفاسیر و اخبار و روایات آن‌ها نصوصی دال بر اینکه مسجدالاقصی مسجدی است در آسمان، وجود دارد، اما این از جایگاه و ارزش مسجد قدس و ضرورت دفاع از آن و آزاد سازی آن نمی‌کاهد زیرا در هر صورت مسجدالاقصی متعلق به مسلمانان؛ اما با این وصف هم جایگاه و ارزش مسجد کوفه و کربلا و قم از جایگاه مسجدالاقصی بیشتر است.

دیدگاه سوم

این گروه مسجدالاقصی را همان مسجدی می‌دانند که در اول سوره اسراء ذکر شده و فضل و برتریش بر سایر مساجد به جز مسجدالحرام و مسجد پیامبرص و مسجد کوفه مقدم است!! اما در هر صورت جایگاه آن با جایگاه مسجد کوفه و کربلا و دیگر اماکن مقدسه آن‌ها مقایسه نمی‌شود.

نقطه مشترک این سه دیدگاه این است که: مسجد کوفه و مسجد کربلا و قبر حسین و قبه سامراء بر مسجدالاقصی برتری دارند خواه مسجدالاقصی در زمین باشد یا در آسمان!! و این سخنی است خیلی تعجب آور و بسیار خطرناک، و تناقض‏گویی واضح و آشکار است.

توانایی و تندرستی را از خداوند منان خواستاریم، و امیدواریم که توانسته باشیم حقیقت امر را به خوبی بیان نموده باشیم و گمان و تخیلات آن‌ها را به طور شایسته رد نموده باشیم.

و در پایان از خداوند می‏طلبم که این کار مورد قبول و پذیرش خود قرارداده باشد و آن را عملی خالصانه برای خود قرار داده باشد، چرا که اگر خوبی کرده‏ام از جانب اوست و اگر بدی کرده‏ام از جانب من و از جانب شیطان است...

والحمد لله رب العالمين

1. - برای تألیف این کتاب نه اینکه این تأویلات باطل و تردید آمیز در مورد جایگاه مسجد الاقصی و اینکه آن مسجد در آسمان است را از او قبول نکردند بلکه از طرف ایران جائزه ویژه را دریافت نمود، و از طرف (احمدی نژاد) رئیس جمهور ایران تکریم و تجلیل هم شد. [↑](#footnote-ref-1)
2. - الصحيح من سيرة النبی الأعظم (3/137) چاپ پنجم سال 1427 هـ-2006 م مرکز پژوهش‌های اسلامی. [↑](#footnote-ref-2)
3. - الصحيح من سيرة النبی الأعظم (3/106). [↑](#footnote-ref-3)
4. - الصحيح من سيرة النبی الأعظم (3/128، 129) [↑](#footnote-ref-4)
5. - الصحيح من سيرة النبی الأعظم(3/139). [↑](#footnote-ref-5)
6. - بحار الأنوار (22/90). [↑](#footnote-ref-6)
7. - تفسیر صافی تألیف فیض کاشانی (3/166) مؤسسه چاپ ونشر العلمی. [↑](#footnote-ref-7)
8. - منبع سابق (3/166). [↑](#footnote-ref-8)
9. 1- او عبدعلی بن جمعة العروسی حویزی، متوفای سال1112هـ. می‌باشد. [↑](#footnote-ref-9)
10. - تفسیر نورالثقلین، عبدعلی حویزی، با تصحیح و شرح هاشم محلاتی (3/97) چاپ اول سال1424 هـدار التفسیر- قم ایران. [↑](#footnote-ref-10)
11. - تفسیر نور الثقلین (3/98). [↑](#footnote-ref-11)
12. - تفسیر عیاشی؛ تألیف محمد بن عیاش سلمی سمرقندی، با تحقیق هاشم محلاتی (2/302) چاپ اول سال1411 هـ1991م مؤسسه چاپ اعلمی. [↑](#footnote-ref-12)
13. - البرهان في تفسير القرآن، تألیف: هاشم بحرانی (4/522)چاپ اول سال1419هـ-1999م مؤسسه اعلمی. [↑](#footnote-ref-13)
14. - بيان السعادة في مقامات العبادة، تألیف: سلطان محمد جنابذی، ملقب به سلطان علی شاه (2/431) چاپ دوم سال1408هـ -1988م مؤسسه اعلمی. [↑](#footnote-ref-14)
15. - بیان السعادة (2/431) [↑](#footnote-ref-15)
16. - بحار الأنوار؛ تألیف: محمد باقر مجلسی (97/405) چاپ سوم سال1403هـ- 1983م؛ دار احیاء التراث العربی. [↑](#footnote-ref-16)
17. - منتهی الأمال تألیف: عباس قمی ص70. [↑](#footnote-ref-17)
18. - کامل الزیارات ص80، وبحار الأنوار (97/4049، والوسائل(3/529)، و فروع الکافی تألیف ابی‌جعفر کلینی (3/491). [↑](#footnote-ref-18)
19. - الصحيح من سيرة الرسول الأعظم (3/101). [↑](#footnote-ref-19)
20. - علل الشرایع، تألیف: محمدبابویه قمی (1/160)چاپ اول سال1408هـ-1988م مؤسسه اعلمی در بیروت –لبنان. [↑](#footnote-ref-20)
21. - المصباح فی الأدعیه والصلوات والزیارات والاحراز والمعوذات، تألیف تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، متوفای سال900هـکه حسین أعملی آن را تصحیح وآماده چاپ نموده ص363 چاپ دوم سال 1424هـ-2003م، مؤسسه چاپ أعلمی در بیروت لبنان. [↑](#footnote-ref-21)
22. - تفصیل وسائل الشيعة إلی تحصيل مسائل الشريعة، تألیف: محمد بن حسن حر عاملی (14/360) چاپ اول 1413هـ-1993م، با تحقیق مؤسسه آل بیت† لاحیاء التراث- بیروت، لبنان. [↑](#footnote-ref-22)
23. - تفصیل وسائل الشیعة (14/361). [↑](#footnote-ref-23)
24. - تفصیل وسائل الشیعة (14/362). [↑](#footnote-ref-24)
25. - قادیانی‌ها نیز – طائفه‏ای گمراه باطنی هستند - به مقابله و قیام علیه ما شتافته و قادیان هند را مقدس می‌دانند، آن‌ها معتقد‌اند که مسجد الاقصی در بیت المقدس نیست بلکه مسجد میرزا است در قادیان!!. در صحیفه فضل قادیانی‌ها شماره 3 سال 1935 م آمده که) خداوند این سه مقام را مقدس نموده: مکه، مدینه، و قادیان. و این سه محل را برای تجلی و ظهور خود بر گزیده است). و در شماره 23 نیز چنین آمده: (مراد از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که خداوند دور وبر آن را مبارک گردانیده فمسجد قادیان است)!!. [↑](#footnote-ref-25)
26. - کامل الزیرات، ص 137. [↑](#footnote-ref-26)
27. - الوسائل(3/525) [↑](#footnote-ref-27)
28. - مسجد کوفه را صحابی جلیل القدر سعد بن ابی وقاصس پس از جنگ قادسیه در عهد خلافت حضرت عمر فاروقس بنا نهاد؛ اما شگفت موقف شیعه‏ها است در برابر این صحابی که در کتاب‌ها و روایاتشان او را قارون امت می‌نامند؛ در مقدمه البرهان، نوشته ابو الحسن عاملی ص280 آمده که: ابوالحسن عامری گفت: سعد بن ابی وقاص قارون این امت است؛ و این چیزی است که از سر باز زدن و تکبر او در عدم بیعت با امیر المؤمنین علی÷ نمایان می‌گردد!!.

اما در اینجا چند سرالی برای ما مطرح است: اگر بانی آن مسجد مرتد بوده پس چرا خلیفه راشد حضرت علی÷ اقدام به هدم و ویرانی آن ننمود هنگامی که به کوفه منتقل شد در حالی که آن وقت خودش خلیفه و حاکم مسلمانان بود؟!! و چرا به پیشوایانشان توصیه می‌کند که در آن نماز بخوانند در حالی که به گمان آن‌ها سعدبن وقاص، قارون این امت!! مرتد بوده؟!! و چرا این‏همه فضایل و برتری برای مسجدی است که به دستور امیر المؤمنین عمرس تأسیس گردیده، مگر جعفر صادق نمی‌گوید: هر عبادتی که بر اساس تقوی صورت نگیرد گرد و غبار پراكنده است؟!!. [↑](#footnote-ref-28)
29. - الوسائل(3/547). [↑](#footnote-ref-29)
30. - تفصیل وسائل الشیعة (14/360). [↑](#footnote-ref-30)
31. - کامل الزیارات ص73-74. [↑](#footnote-ref-31)
32. - قم، با ضمه قاف شهری است مشهور ومقدس نزد شیعه‏ها و در ایران قرار دارد، ساکنان آنجا همه شیعه امامیه هستند (نگاه: معجم البلدان: 4/397) و سبب مقدس دانستن قم از نظر شیعه وجود قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر÷ (امام هفتم) آن‌ها در آنجا است، نگاه: عبد الرزاق الحسینی/ مشاهدالعتره: ازص162 وبه بعد. [↑](#footnote-ref-32)
33. - بحار الأنوار(102/267). [↑](#footnote-ref-33)
34. - وسائل الشیعه (10/332). [↑](#footnote-ref-34)
35. - بحار الأنوار (101/107). [↑](#footnote-ref-35)
36. - وسائل الشیعه (10/360). [↑](#footnote-ref-36)
37. - کامل الزیارات ص146، بحار الأنوار(101/49). [↑](#footnote-ref-37)
38. - این فصل تحت عنوان: (باب أن زيارته÷ من أفضل الأعمال)، بحار الأنوار(101/49). [↑](#footnote-ref-38)
39. - الوافی، جلد دوم (8/224). [↑](#footnote-ref-39)
40. - با وجود این شایعه می‌کنند که قدس قضیه مهم واساسی آن‌ها است و آن‌ها با مستضعفین وستم دیدگان هستند، وبه گمان خود آن‌ها هستند که جنگ درراه آزاد سازی مسجد الاقصی رارهبری می‌کنند!! و برای یاری وکمک به فلسطین روزی را به نام(روز قدس)تخصیص داده وبرای آزاد سازی اقصی نیز لشکری را به نام (لشکر قدس) و (سپاه قدس) نام گذاری نموده اند، وشبکه‌ای را به نام (شبکه قدس) وراهی را به نام (راهی به سوی قدس) - راهی است بین عراق وافغانستان -نام نهاده‌اند !!وما نیز پیوسته منتظریم که ببینیم کی خون اسبی را نثارراه فلستین می‌کنند!!. [↑](#footnote-ref-40)
41. - مجله المنبر به صورت ماهانه از طرف هیئت خادمان مهدی به مدیریت (یاسر حبیب) وسردبیری یوسف عبد الهادی صادر می‌شد، و چاپ و انتشار این مجله از ماه دسامبر سال 1999م شروع و تا سال 2004م ادامه داشت تا اینکه در همان سال حکومت کویت دستور تعطیل نمودن فعالیت آن هیئت را صادر نمود و دست اندرکاران آن تحویل نائب حکومت گردیدند، و یاسر حبیب به جرم دشنام و بدگوئی اصحاب پیامبرص، در کویت زندانی شد. آدرس انترنتی آن‌ها:

www.14masom.com/menbar [↑](#footnote-ref-41)
42. - در آن وقت کربلا و قدس تحت سلطه وحاکمیت بعث نظامی بودند، واین مقاله قبل از سقوط بغداد توسط اشغالگران آمریکائی نوشته شده است. [↑](#footnote-ref-42)
43. - مجله المنبر، شماره23، محرم1423هـ- مارس2002م. [↑](#footnote-ref-43)
44. - منبع: سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، تألیف ابن معصوم حسینی؛ متوفای سال1119هـ. [↑](#footnote-ref-44)
45. - نص وتصویر این گزارش در سایت الحقیقة سایت الحقیقة www.haqeea.com وهمچنین روی سایت (الدفاع عن السنة/www.d - sunnah.net.) موجود است. [↑](#footnote-ref-45)
46. - سایت المیزان: www.mezan.net/vb/archiye/index.php?t – 389html [↑](#footnote-ref-46)
47. - من این شرح و تعلیق‌ها را بدان خاطر ذکر نمی‌کنم که بر اساس آن‌ها حکمی را صادر نمایم بلکه بدین منظور آن‌ها را ذکر نموده‌ام که مردم بدانند آن‌ها در مورد مسجد الاقصی و جایگاه آن چگونه فکر می‌کنند و در تریبون‌های آزاد چه چیزهای را در مورد آن می‌نویسند. [↑](#footnote-ref-47)
48. - آدرس کانون های یاحسین روی شبکه جهانی انترنت.www.yahosein.com [↑](#footnote-ref-48)
49. - منظورش عمر بن خطابس است که به گمان آن‌ها خلافت را از علی بن ابی طالبس غصب نموده است. [↑](#footnote-ref-49)
50. - منظورش خلیفه دوم عمر بن خطابس است. [↑](#footnote-ref-50)
51. - منظورش منبر صلاح الدین ایوبی / است. [↑](#footnote-ref-51)
52. - صلاح الدین ایوبی که تمام امت به بزرگواری آن گواهی می‌دهند، این رافضی کثیف آن را به خراب الدین متهم می‌نماید در انتقام اینکه ایشان در ریشه کن کردن و برطرف نمودن دولت فاطمیه باطنی نقش مهم وقابل توجهی داشتند. [↑](#footnote-ref-52)
53. - بوهل: مستشرق یهودی ماده قدس را در دائرة المعارف اسلامی نوشته است!!. [↑](#footnote-ref-53)
54. - کتاب: فضائل بيت المقدس في مخطوطات عربية قديمة، تألیف: دکتور محمود ابراهیم، ص47، دانشگاه اردن، نشر پژوهشگاه آثار ونوشته‌های عربی (سازمان تربیت و علوم وفرهنگ وابسته به عرب) چاپ اول سال 1985م. [↑](#footnote-ref-54)
55. - فضائل بیت المقدس، نوشته ابوبکر واسطی ص35 با تحقیق اسحق حسون، انجمن پژوهش‌های آسیا و آفریقا - دانشگاه عبریه، قدس. [↑](#footnote-ref-55)
56. - فضائل بيت المقدس في مخطوطات عربية قديمة، تألیف دکتور محمودابراهیم، ص41. [↑](#footnote-ref-56)
57. - (حوا لاتسروس یافه) محقق مستشرق یهودی، متخصص درتحقیقات وپژوهشهای متعلق به تاریخ قدس. که چند مبحثی را به مؤسسه (یستحاق بن تسفی) تقدیم نموده است، [↑](#footnote-ref-57)
58. - القدس دراسات في تاريخ المدينة؛ نوشته: أمنون کوهین، ص39 چاپ وانتشار یادیتسحاق بن تسفی. [↑](#footnote-ref-58)
59. - نویسنده و روزنامه نگار، در روزنامه یدیعوت أحرنوت عبری. [↑](#footnote-ref-59)
60. - یدیعوتأحرنوت3/3/2005م. [↑](#footnote-ref-60)
61. - اکادیمی ومحقق یهودی، که در اصل بلژیکی است، او عضو انجمن پژوهش‌های آسیا وآفریقا، در دانشگاه عبری در قدس اشغالی می‌باشد، او بحث‌های متعددی در زمینه تاریخ قدس دارد که خالی از شک وگمان نسبت به جایگاه مسجد الاقصی نیست، همانند وهمدستانش درلشکر پروفیسورهای اجیر شده در دانشگاه‌های عبری. [↑](#footnote-ref-61)
62. - فضائل بیت المقدس در نوشته‌های عربی قدیمی ص40. [↑](#footnote-ref-62)
63. - فضائل بیت المقدس در نوشته‌های عربی قدیمی ص40. [↑](#footnote-ref-63)
64. - برای آگاهی بیشتر دراین زمینه به منابع زیر مراجعه نمایید. کتاب: فضائل بیت المقدس فی مخطوطات عربیة قدیمة، نوشتۀ دکتور محمود ابراهیم، دانشگاه اردن، نشرکانون نوشته‌های عربی (سازمان تربیت وعلوم و فرهنگ وابسته به عرب) چاپ اول سال 1985م. نیز کتاب: أدب فضائل المدن فی دراسات المستشرقین الیهود) با تحقیق عبداللطیف زکی ابوهاشم، مدیر حوزه اسناد نوشته‌ها وآثار- غزة، فلسطین. ونیز کتاب: المستشرقون الیهود ومحاولة التهوین من قدسیة القدس ومکانتها فی الاسلام، به قلم دکتور.حسن عبداحمید سلوادی، رئیس دانشکده آداب (دانشگاه قدس)) –وکتاب: والقدس دراسات فی تاریخ المدینة، نوشته: پروفیسور أمنون کوهین. [↑](#footnote-ref-64)
65. - امام زهری: ابوبکرمحمد بن مسلم عبیدالله بن شهاب القرشی الزهری، در سال 51هـ به دنیا آمده است، ایشان یکی از بزرگان تابعی می‌باشد وبه خدمت ده نفر از اصحاب رسیده، از جمله أنس بن مالک وعبد الله بن عمر و جابر وسهل بن سعد، ودر محضر سعید بن مسیب تلمذ نموده است، امام احمد در مورد او می‌گوید: زهری از همه مردم بهتر به احادیث وسند احادیث آشنا بود. ابن‌حجر نیز در کتاب تهذیب التهذیب در مورد او می‌گوید: «فقیه ابو بکر حافظ مدنی یکی از امام وپیشوایان نام دار و عالم و دانشمند حجاز وشام بود».

ذهبی نیز در مورد او می‌گوید: «ایشان امام، حافظ وحجت می‌باشند و او عالم و دانشمند حجاز و شام بوده زیرا از همه بیشتر آشنا به احادیث و بیشترین روایات را نقل نموده است». عمرو بن دینار می‌گوید: «من از زهری بیناتر و آگاه‌تر به متن و عبارات حدیث را ندیده ام».

و روایات ائمه و حافظان و علمای جرح وتعدیل بر ثقه و امانتداری و بزرگواری او اتفاق دارند و جز «جولدتسهیر» مستشرق یهودی متعصب، کسی را ندیده‌ام که در ثقه و امانت و صداقت در احادیث، او را متهم نموده باشد.

و اتهام اینکه احادیث را برای اموی‌ها جعل نموده باشد، دروغ محض است؛ آیا معقول است که اصحاب و تابعین و فقهای اسلام و ائمه احادیث در طول سیزده قرن کامل با سخنان ابن شهاب زهری فریب خورده باشند!! و هیچکس به جعل و تقلبکاری و دروغ پردازی او جهت خوشنودسازی اموی‌ها پی نبرده باشد جز جولدتسیهر!! و تنها او بازیرکی و تیز بینی خود بدین نتیجه پی برده باشد؟!!. [↑](#footnote-ref-65)
66. - نگاه: السنة ومكانتها في التشريع الإسلامي. نوشته شیخ دكتور مصطفی السباعی، ص189-199 کتاب خانه اسلامی چاپ چهارم سال 1405هـ-1985م. [↑](#footnote-ref-66)
67. - «ریجیسبلاشیر» (1900-1973م) از مشهورترین خاورشناسان فرانسوی در قرن بیستم به حساب می‌آید، و نیز یکی از اعضاء مجمع علمی عربی در دمشق می‌باشد، کتاب ترجمه الفاظ قرآن کریم به زبان فرانسه را در سال 1957 چاپ و منتشر نمود و در سال 1966م مجددا آن را چاپ نمود، این کتاب حاوی بسیاری از خزعبلات و دروغ و مغالطه و افتراء می‌باشد، و نویسنده تلاش نموده که خوانندگان آن را قانع سازد که قرآن، تألیف و نوشته محمدص است. [↑](#footnote-ref-67)
68. - ریجس بلاشیر، ترجمه معانی الفاظ قرآن به زبان فرانسوی، ص305. [↑](#footnote-ref-68)
69. - هنگامی که از شیخ دکتور حسام الدین عفانه استاد فقه واصول در دانشکده دعوت و اصول دین در دانشگاه قدس – در فلسطین- در مورد جایگاه مسجدالاقصی نزد شیعه‌ها سؤال شد؟ در جواب گفت: خلاصه مطلب این است که شیعه‌ها آنگونه به مسجد الاقصی نمی‌نگرند که سنی‌ها بدان می‌نگرند و مسجدالاقصی نزد شیعه‌ها از چنان جایگاه وارزشی برخوردار نیست که سنی‌ها بدان معتقد اند، زیرا مسجدالاقصی از نظر شیعه‌ها درآسمان است حتی بعضی از آن‌ها اقرار می‌نمایند که مسجدی که هم اکنون در فلسطین است و به بیت المقدس معروف و مشهور است، جایگاه و ارزشش از مسجد کوفه کمتر است. البته بدون شک این سخن افترای محض بر دین خدا است زیرا نه در قرآن و نه در سنت پیامبرص هیچگونه ارزش وجایگاهی برای مسجد کوفه به ثبوت نرسیده است. (مرجع: سایت شیخ دکتور حسام الدین عفانه –موضوع- «يسألونك علی شبکة العالمية: .دثف. WWWYASALOONAK.NET, و همچنین سایت الحقيقة: WWW.HAQEEQA.COM. [↑](#footnote-ref-69)
70. - روایت از بخاری، حدیث شماره: 3366 صحیح بخاری-چاپ دارالسلام در ریاض- وچاپ دوم ذی الحجة 1419هـ -مارس1999م. [↑](#footnote-ref-70)
71. - روایت از بخاری، حدیث شماره 399 صحیح بخاری- چاپ دارالسلام درریاض. [↑](#footnote-ref-71)
72. - روایت از مسلم، حدیث شماره259، صحیح مسلم-چاپ دار السلام در ریاض و چاپ دوم در ماه محرم1421هـ- 2000م. [↑](#footnote-ref-72)
73. - روایت از مسلم، حدیث شماره278، صحیح مسلم-چاپ دارالسلام. [↑](#footnote-ref-73)
74. - حاکم آن را خارج نموده و آن را صحیح دانسته است. ذهبی و آلبانی نیز با او موافق بودند. [↑](#footnote-ref-74)
75. - روایت از بخاری، حدیث شماره: 3176، صحیح بخاری –چاپ دارالسلام –ریاض. [↑](#footnote-ref-75)
76. - احمد، وابو داود، وحاکم، و طبرانی در کتاب: الکبیر "آن را خارج نموده وآلبانی هم آن را صحیح دانسته و در صحیح خود آن را آورده است.حدیث شماره: 2484، در فصل باب فی دوام الجهاد سنن ابو داود انتشارات کتابخانه معارف در ریاض، چاپ اول. [↑](#footnote-ref-76)
77. - احمد و ابن ماجه این حدیث راخارج نموده‌اند و آلبانی هم در کتاب "تخریج أحادیث فضائل الشام ودمشق، تألیف ربعی. آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-77)
78. - امام احمد این حدیث را تخریج نموده. حدیث شماره: 24085، 24084، 24083، 23478، و سند آن با شرط شیخین صحیح می‌باشد، مسند امام احمد، چاپ: بیت الافکار الدولية:2004م. [↑](#footnote-ref-78)
79. - بخاری این حدیث را روایت کرده است، حدیث شماره: 1189، صحیح بخاری: چاپخانه: دارالسلام، ریاض. [↑](#footnote-ref-79)
80. - المنهاج: شرح صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-80)
81. - الفتح(3/603) [↑](#footnote-ref-81)
82. - مجموع فتاوای شیخ الاسلام ابن تیمیه (6/27) چاپ دوم سال1398هـ- تهیه وتنظیم: عبدالرحمن نجدی حنبلی. [↑](#footnote-ref-82)
83. - حاکم این حدیث را خارج نموده و آن را تصحیح نموده و ذهبی نیز با او موافق بوده. و آلبانی هم آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-83)
84. - این حدیث را نسائی وابن ماجه رویات نموده اند، حدیث شماره1408، سنن نسائی انتشارات مکتبة المعارف در ریاض چاپ اول. [↑](#footnote-ref-84)
85. - یبوسی‌ها گروهی از اعراب نخستین بودند که در قلب جزیرة العرب پیدا شدند و نشأت گرفتند سپس همراه چند قبیله از کنعانیهایی که خود را به آنجا نسبت می‌دادند از آنجا به قدس مهاجرت نمودند، و آن‌ها نخستین کسانی بودند که در قدس ساکن شدند و در آنجا خانه ساختند. [↑](#footnote-ref-85)
86. - برای آگاهی بیشتر درموردنام کسانی که به مقصد بیت المقدس سفرنموده‌اند به کتاب: مثیر الغرام الی زیارت القدس والشام، و همچنین کتاب: الانس الجلیل بتاریخالقدس والخلیل.مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-86)
87. - روایت از بخاری، حدیث شماره: 3366 صحیح بخاری چاپ دارالسلام در ریاض. [↑](#footnote-ref-87)